



### A Critique on Statistical Studies in the Holy Quran based on the Characteristics of *Muṣḥaf* Script

**Azam Sadeghinia** (corresponding author), Ph.D graduate, Ferdowsi University of Mashhad

**Email:** [asadeghiniya@gmail.com](mailto:asadeghiniya@gmail.com)

**Dr. Seyyed Kazem Tabatabaipour**, Professor of Ferdowsi University of Mashhad

#### Abstract

Some Quranic scholars, especially at the present time, have conducted statistical research on the Holy Quran, and their main goal is to prove the miraculous aspects of Quran through numerical and statistical analysis. However, the degree to which one can trust the results of such studies has been a great concern.

In order to evaluate the correctness of the results of such investigations, we have reviewed the Arabic script in general and the script of *Muṣḥaf* (a written copy of the Quran) in particular. The results show that numerical and statistical researchers, due to their unfamiliarity with the calligraphy, script and date of writing of the *Muṣḥafs*, have considered the script of the famous *Muṣḥafs* as a fixed and unchangeable fact, while in writing many words and letters in Arabic, especially in *Muṣḥafs*, there is not one identical instruction that is agreed upon by all. Therefore, different possible ways for writing one single letter, word or sentence may bring about different results in the statistical analyses.

This clearly shows that the results of many -not all- of these studies are not assured and need to be considered with more caution and thought.

**Keywords:** statistical research about the Holy Quran, numerical miracle of the Quran, Arabic script, *Muṣḥaf* script, number 19, number 7





سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۰۷ - ۱۷۷	HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵
	DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2021.71055.1132">https://doi.org/10.22067/jquran.2021.71055.1132</a>

## نقدی بر پژوهش‌های آماری در قرآن کریم بر پایه ویژگی‌های رسم‌المصحف

(نویسنده مسئول) اعظم صادقی نیا

دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

Email: asadeghiniya@gmail.com

دکتر سید کاظم طباطبایی پور

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

تنی چند از قرآن‌پژوهان، به‌ویژه در عصر حاضر به پژوهش آماری در قرآن کریم پرداخته‌اند و هدف آن‌ها عمدتاً اثبات اعجاز قرآن کریم از راه تحلیل‌های عددی و آماری است. اما یکی از دغدغه‌های قرآن‌پژوهان همواره این است که تا چه اندازه می‌توان به نتایج این پژوهش‌ها اعتماد کرد و بدان استناد جست؟

در پی سنجش درستی نتایج چنین بررسی‌هایی، به بررسی اجمالی رسم‌الخط عربی عموماً و رسم‌المصحف خصوصاً پرداخته‌ایم. نتیجه بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که پژوهشگران عددی و آماری به‌سبب ناآشنایی با مسئله خط و کتابت و تاریخ نگارش مصاحف، خط مصاحف متداول را حقیقتی ثابت و تغییرناپذیر تلقی کرده‌اند، درحالی‌که در نوشتن بسیاری از کلمات و حروف در عربی و به‌ویژه در مصاحف، دستوری یکسان و مورد اتفاق همگان در اختیار نداریم، چندان‌که با نوشتن یک حرف یا یک کلمه یا یک جمله به دو یا چند شکل، از تحلیل‌های آماری نتایج متفاوتی حاصل می‌شود.

این بررسی‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که نتایج بسیاری از این پژوهش‌ها -البته نه همه آن‌ها- اطمینان‌بخش نیست و به درنگ و تأمل بیشتر نیاز دارد.

**واژگان کلیدی:** پژوهش‌های آماری درباره قرآن کریم، اعجاز عددی قرآن، رسم‌الخط عربی، رسم‌المصحف،

عدد ۱۹، عدد ۷.

## مقدمه

رسم‌الخط یا کتابت، به‌سادگی با تحول‌پذیری بسیار گفتار متحول نمی‌شود، بلکه همواره میان گفتار (قرائت) و نوشتار (رسم‌الخط) ناهمگونی‌هایی یافت می‌شود؛ تاجایی که برخی به تفکیک، از «زبان گفتار» و «زبان نوشتار» سخن گفته‌اند. در برخورد نخست گمان می‌رود که زبان نوشتار بر گفتار برتری دارد، چراکه نوشتار بر پایهٔ تلفظ واقع می‌شود؛ حال آنکه به گفتهٔ زبان‌شناسان جدید، گفتار بر نوشتار برتری دارد و برای آن دلایلی ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup> نوشتار، کتابت، خط یا رسم‌الخط قراردادی است؛ بنابراین هیچ حرفی با صدای خاصی رابطهٔ الزام‌آور ندارد و حروف در هیچ زبانی از قداست ذاتی برخوردار نیستند.<sup>۲</sup> بدیهی است همهٔ حروفی که برای اصوات گوناگون وضع شده‌اند، جواب‌گوی تمامی آن‌ها نیست؛ درحالی‌که از آغاز، اصل بر آن است که حرف معادل یک صدا باشد. چنین وضعی نویسندگان نخستین، از جمله نویسندگان زبان عربی را در تنگنایی قرار داد که صداها را چنان بفشردند که در قالب تعداد حروف بگنجند. نمونهٔ آن را می‌توان تلفظ «ن» در واژگانی چون «إن ثاب، من بعد، منذر، إن شاء و...» نام برد که برای همگی آن صداها، حرف «ن» را برگزیده‌اند.<sup>۳</sup> علاوه بر این، کاتب مصحف گاه کلمه‌ای را که می‌شنیده، می‌نوشته است، در نتیجه، در مواردی ناهماهنگی میان شکل نوشتاری کنونی و اصل آن کلمه به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup> بنابراین، اختلاف در رسم یک مصحف و مصاحف گوناگون نسبت به یکدیگر انکارناپذیر است.

بررسی قرآن‌های چاپی در کشورهای اسلامی نیز از جواز کتابت به شکلی جز رسم‌المصحف حکایت دارد. مثلاً قرآن‌هایی که در ایران و ترکیه و عراق به چاپ می‌رسند بر پایهٔ تلفظ یا رسم‌الخط قیاسی (املائی) کتابت شده؛ برخلاف قرآن‌های چاپ عربستان و شمال آفریقا (مصر، لیبی و...) که بر پایهٔ رسم‌المصحف کتابت شده‌اند، رسم‌الخطی که به رسم‌الخط عثمانی یا رسم‌الخط توقیفی قرآن شهرت پیدا کرده است.<sup>۵</sup> جواز کتابت جز بر اساس رسم‌المصحف، به عصر حاضر اختصاص ندارد و در سخن پیشینیان، همچون باقلانی (متوفای ۴۰۳ق) نیز دیده می‌شود که «قرائت صحیح» را اصل و اساس ارتباط با قرآن دانسته و رسم‌الخط را تنها نشانه و رسمی قراردادی معرفی کرده‌اند.<sup>۶</sup>

با این توضیحات، پژوهش‌های آماری ذیل عناوین پژوهش‌های پراکندهٔ آماری، مطالعات در اثبات اعجاز عدد ۱۹، ۷، ۲۹، ۱۲، ۱۴ و ۵ تنظیم شده‌اند. در ادامه نیز مطالبی از کلیات رسم‌الخط خواهد آمد تا

۱. نک: هال، زبان و زبان‌شناسی، ۳۵ تا ۳۴.

۲. هال، زبان و زبان‌شناسی، ۴۱.

۳. حمد، رسم‌الخط مصحف، ۲۳ تا ۲۳۴.

۴. تفکری، پژوهشی در رسم‌المصحف، ۸۳ تا ۷۹.

۵. تفکری، پژوهشی در رسم‌المصحف، ۷۷ تا ۷۶؛ نک: شورای تحقیق، بررسی تطبیقی رسم‌المصحف، ۳۳ و ۳۵.

۶. باقلانی، الإنصار للقرآن، ۵۶۰/۲.

صحت و سقم نتایج آماری پژوهش‌های قرآنی سنجیده شود. گفتنی است مطالعات آماری درباره قرآن کریم فراوان است، اما تعداد محدودی از آن‌ها در نقد پژوهش‌های آماری راجع به مثبتین آن‌ها وجود دارند و از این تعداد نیز تعداد انگشت‌شماری با استناد به رسم الخط تألیف شده‌اند. از مؤلفان این آثار، بسام نهاد جرّار در «الإعجاز العددي بين الحقيقة والوهم»؛ عباس یزدانی در بخش‌هایی از مقاله «اعجاز عددي و نظم ریاضی قرآن»، غانم قدوری الحمد در «الإعجاز العددي في القرآن حقيقة أم توهم»، سیدکاظم طباطبایی در «سنجش یک حدیث درباره مدلول حروف مقطعه»، محمدرضا ستوده‌نیا در «فن‌آوری اطلاعات و ظهور جلوه‌ها و فرضیه‌های نوین در اعجاز علمی قرآن»، احمد خالد شکری در کتاب مختصری با عنوان «مقولة الإعجاز العددي: دراسة نقدية»، بسیار مختصر برخی مطالعات آماری را با استناد به رسم الخط نقد کرده‌اند. ایده اولیه این تحقیق از مقاله دکتر سیدکاظم طباطبایی درباره مدلول حروف مقطعه گرفته شده است که در آن، مباحث رسم الخط نسبت به سایر تألیفات پیش‌گفته بسیار مفصل‌تر بیان شده است.

## ۱. پژوهش‌های آماری

مطالعات آماری ارائه‌شده درباره قرآن کریم نسبتاً فراوان‌اند. به نظر می‌رسد در دوران متأخر، عبدالرزاق نوفل (۱۲۹۶-۱۳۶۳) برای نخستین بار به وجود روابط عددی در قرآن معتقد شد و در سال ۱۳۳۸/۱۹۵۹، به تحقیق درباره تکرار دنیا و آخرت در قرآن آغاز کرد.<sup>۷</sup> از سوی دیگر، مهدی بازگان (۱۳۷۳-۱۲۸۶)، سیر تحول لفظی و موضوعی قرآن را در دهه چهل شمسی به پایان رساند.<sup>۸</sup> پس از این دو، «رشاد خلیفه»، مشهورترین پژوهش‌ها را درباره روابط عددی در قرآن ارائه کرد، به گونه‌ای که پیروان فراوان یافت و بسیاری، مبنای پژوهش‌های آماری خود را بر عدد ۱۹ بنا نهادند.<sup>۹</sup> از آنجاکه این نوع مطالعات از زمان «رشاد خلیفه» به این سوی گسترده شد. در ادامه، تنها به تعدادی از پژوهش‌های عرضه‌شده در دوران معاصر استناد می‌شود، آن هم مواردی که به بحث رسم الخط و نه مثلاً شمارش آیات و ترتیب سوره‌ها ارتباط داشته باشند. بر این اساس، مطالعات آماری در بخش‌های ذیل دسته‌بندی و معرفی می‌شوند:

### ۱.۱. پژوهش‌های پراکنده آماری

۷. نوفل، مقدمة الإعجاز العددي، ۴.

۸. سیر تحول لفظی قرآن، ۱۳۴۴ ش. مجموعه آثار، «فهرست زمانی عناوین آثار در مجموعه‌های آثار»، سایت بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازگان.

۹. مانند: جمیل دیباجه: عجائب العدد و المعدود فی القرآن الکریم؛ بسام نهادجرار: إعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم مقدمات تنتظر المناجیح؛ بیضون لیبیب: الإعجاز العددي فی القرآن؛ فرید قیطانی و احمد حجاج امین: الصّدفة المنظمة الإعجاز العددي فی القرآن؛ سید محمد فاطمی: آیت کبری معجزة جاویدان قرآن کریم؛ حسین سلیمان: الإعجاز العددي والرقمی فی القرآن الکریم؛ بهاء البکری: «حساب الجمل و الاعجاز العددي»؛ عدنان الرفاعي: إحدى الکبر؛ واحیدان درگاهی و حسینی شاهرودی: تحذی ریاضیاتی قرآن کریم با سایر کتب؛ عبدالله جلغوم: معجزة الترتیب القرآنی.

ا. شب قدر: پژوهش‌های پراکنده‌ای هستند که بی‌آنکه به عدد مشخصی در قرآن، از قبیل ۱۹، ۷، ۲۹ و... اشاره کنند، در پی اثبات اعجاز عددی در قرآن هستند. یک نمونهٔ آن، اثبات شب ۲۷ رمضان به‌عنوان شب قدر است؛<sup>۱۰</sup> توضیح مختصر آنکه، سورهٔ قدر ۳۰ کلمه دارد که به تعداد روزهای یک ماه و از جمله، ماه رمضان اشاره دارد. ضمیر «هی» در آیهٔ پایانی سوره شایان توجه است که کلمهٔ ۲۷م سوره است. این سخن، دلیل بر آن است که شب قدر، شب ۲۷م ماه رمضان است.<sup>۱۱</sup>

ب. آنالیز عددی سورهٔ کوثر: سورهٔ کوثر در تعداد حروف و کلمات، حروف تکرارشونده و غیرتکرارشوندهٔ سوره و مانند آن‌ها، عددی مشخص و پیش‌بینی‌شده را به دست می‌دهد؛<sup>۱۲</sup> مثلاً در این سوره هیچ کلمه‌ای دو بار تکرار نشده، لکن حروف چهارگانهٔ اسم سوره، ۱۲ بار در سوره پراکنده شده‌اند که با تعداد حروف آیهٔ دوم سورهٔ کوثر برابر است.<sup>۱۳</sup> حرف «ث» سومین حرف اسم کوثر، چهارمین حرف الفبای عربی است. این حرف، تنها یک بار در این سوره و آن هم در آیهٔ نخست به‌عنوان حرف پانزدهم سوره آمده که تعداد حروف آیهٔ سوم سوره نیز ۱۵ حرف است.<sup>۱۴</sup>

ج. تماثل آیات: تماثل در آیات، عبارت از دو یا چند آیه که در لفظ و معنا مانند هم باشند و در چند سورهٔ مختلف، شمارهٔ آیه‌ای مثل هم داشته باشند؛ مانند آیهٔ ۱۱ سورهٔ مزمل «وَذُرِّي وَالْمُكَدِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهْلُهُمْ قَلِيلًا» و آیهٔ ۱۱ و ۱۲ سورهٔ مدثر «ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتَ وَجِيدًا وَوَجَعَلْتَ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا»، هر دو آیه با «ذرنی» آغاز می‌شوند. جز این دو، آیه‌ای دیگر در سورهٔ قلم که آغازش با «ذرنی» است؛ با این تفاوت که شمارهٔ آن، نه ۱۱ که ۴۴ و به عبارتی ۴×۱۱ است. شگفت آنکه تعداد حروف این آیه، ۴۴ حرف است که با شمارهٔ آیه برابر است:<sup>۱۵</sup> «فَذُرِّي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ».

د. تناسق عددی: دو آیه یا دو سوره که در تعداد حروف، واژگان و حتی معنای آن‌ها تناسبی برقرار باشد، تناسق عددی گویند؛ همانند دو سورهٔ فلق و عصر که هر دو ۹۰ حرف دارند، سورهٔ عصر ۱۸ کلمه (۲×۹) و سورهٔ فلق ۲۷ کلمه (۳×۹) دارند. در معنا نیز میان دو سوره، رابطهٔ تضاد برقرار است؛ چراکه «فلق»، صبح و آغاز روز و «عصر»، پایان آن را گویند.<sup>۱۶</sup> تناسق عددی در برخی آیات که اشتراک معنوی یا

۱۰. در منابع روایی اهل سنت، همانند آنچه شیعه بدان معتقد است بیشترین تأکید روی شب ۲۳ رمضان به‌عنوان شب قدر است (نک: صحیح مسلم، ۵۸/۸)، اما امروز آنچه در عمل دیده می‌شود، اهل سنت به استناد برخی روایات (همان، ۶۵) شب ۲۷ رمضان را شب قدر می‌دانند و در آن احیا و مناجات می‌کنند.

۱۱. نک: بخت، اشارات قرآنی، ۳۹ تا ۳۸؛ جعیدی، «الإعجاز العدد القرآني في حقائق تاريخية و فلكية»، ۱۷۹ تا ۱۷۸.

۱۲. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۷۷ تا ۷۸.

۱۳. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۱۴ تا ۱۳.

۱۴. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۷۵.

۱۵. خطیب، اسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۹۷.

۱۶. خطیب، اسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۸۲.

موضوعی دارند نیز وجود دارد؛ مثلاً تعداد حروف در آیات تحدی (۱۸۶ بقره و ۷۳ تا ۷۱ واقعه) ۷۷ حرف است و نیز در ۷ آیه پایانی سوره یس، ۷۷ کلمه است که این ۷ آیه، خود با آیه ۷۷ آغاز می‌شوند.<sup>۱۷</sup>

#### ۱. ۲. عدد ۱۹

بیشتر پژوهش‌های آماری به‌منظور اثبات عدد ۱۹ در قرآن است و پژوهشگران در این کارها تلاش کرده‌اند ارتباطی میان حروف، کلمات یا آیات قرآن با عدد ۱۹ بیابند. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعجاز عدد ۱۹ به طرق گوناگون از قرآن به دست می‌آید:

أ. **دلالت عدد ۱۹ بر وحدانیت خداوند:** به یک سخن، توحید از ۱۹ حکایت دارد؛ برای نمونه، آیاتی که مخلصان را از مفهومی منفی، چون انکار بعث و معاد مستثنا می‌سازد و از قضا، همین استثنائات ثابت یا تقییدات، ۱۹ حرف دارند؛ مانند: «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات) یا دعوت به توحید در آیه ۸۸ سوره قصص با ۱۹ کلمه: «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».<sup>۱۸</sup>

ب. **حقیقت محمدیه و عدد ۱۹:** از میان پیامبرانی که نامشان در قرآن آمده، اگر ابراهیم (ع) نقطه آغاز زنجیره انبیا<sup>۱۹</sup> فرض شود بدان سبب که ابراهیم (ع) نیای بزرگ پیامبر اسلام (ص) است، حلقه نوزدهم، محمد (ص) خواهد بود که نام سوره ۴۷ نیز هست. مؤید این سخن عبارت «محمد صلی الله علیه و سلم» است که از ۱۹ حرف تشکیل شده است.<sup>۲۰</sup>

ج. **آیه بسمله و عدد ۱۹:** مهم‌ترین مطلب در این باره، تعداد ۱۹ حرف «بسم الله الرحمن الرحيم» به‌عنوان آیه‌ای کلیدی در قرآن کریم است و همین نکته کاملاً بر اثبات عدد ۱۹ در قرآن تأکید می‌کند.<sup>۲۱</sup>

د. **دلالت فواتح سوره بر عدد ۱۹:** بسامد یا پراکنندگی حروف مقطعه در سوره‌ها به تعداد ۱۹ یا مضربی از ۱۹، گویای ویژگی این عدد در قرآن است. برای نمونه، بسامد حرف «ن» در سوره قلم، ۱۳۳ یا ۷×۱۹ و حرف «ق» در سوره شوری و «ق» هرکدام ۵۷ یا ۳×۱۹ است.<sup>۲۲</sup> از همین قبیل است مجموع تکرار حروف «ح م»، «ک ه ی ع ص» و «ی س» به ترتیب در سوره‌های حوامیم، مریم و یس که هر یک مضربی

۱۷. خطیب، اسرار معجزه القرآن الکریم، ۲۸۵ تا ۲۸۹.

۱۸. دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۱۲۴ تا ۱۲۵.

۱۹. ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، ایوب، ذوالکفل، موسی، هارون، داود، سلیمان، الیاس، یسع، یونس، زکریا، یحیی، عیسی و محمد (ص).

۲۰. دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۳۵.

۲۱. نهاد جزار، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ۶۲ تا ۶۳.

۲۲. دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۸۰.

از عدد ۱۹ هستند.<sup>۲۳</sup>

ه. آغاز نزول وحی: درباره آیات آغازین نزول، عمده پژوهش‌ها به تعداد حروف سوره علق، ترتیب نزول سوره علق از پایان مصحف کنونی و تعداد آیه‌های این سوره است که همگی آن‌ها عدد ۱۹ یا مضربی از آن هستند.<sup>۲۴</sup> پس از سوره علق، بخش‌هایی از سوره قلم، مزمل و مدثر نازل شده‌اند که هر بخش آن‌ها ۱۹ آیه دارد. پس از این سه، آیه «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» با دلالتی آشکار بر عدد ۱۹ فرود آمده، سپس آیه بسمله در آغاز سوره فاتحه که تعداد حروف آن بر عدد ۱۹ یا به تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ دلالتی روشن دارد، نازل شده است.<sup>۲۵</sup>

و. جدول تنازلی یا ابجد قرآنی: جدولی چون جدول حروف ابجد یا حساب جمل<sup>۲۶</sup> است، با این تفاوت که ارزش عددی هر حرف نسبت به پراکندگی و تعداد آن در قرآن سنجیده می‌شود؛ مثلاً حرف «الف» با همزه، پرکاربردترین و شماره ۱ و حرف «ظ» کم‌کاربردترین حرف با شماره ۲۸ هستند.<sup>۲۷</sup> یکی از نمونه‌های فراوان آن، ارزش عددی آیه «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ» (سبأ: ۴۹) طبق این شمارش ۲۰۹ خواهد بود که مضربی از ۱۹ (۱۱×۱۹) است.<sup>۲۸</sup>

### ۱. ۳. عدد ۷

أ. اختلاف نگارش حرف «ص» و «س» در واژگان یکسان: سبب اختلاف نوشتاری «بسطه» (بقره: ۲۴۷)، «بصطة» (اعراف: ۱۶۹) و «بِصْطُ» (اعراف: ۲۴۵) می‌تواند ۹۸ حرف «ص» در سوره اعراف با آغاز «المص» باشد که ۹۸ بر ۷ بخش‌پذیر است (۱۴×۷). اگر «بسطه» همچون در آیه ۲۴۷ بقره با سین کتابت می‌شد، تعداد حرف «ص» ۹۷ می‌شد که مضربی از ۷ و حتی ۱۹ نبود.<sup>۲۹</sup>

ب. دنباله فیبوناتچی: ۳۰ شمارش مستمر یا تراکمی یا دنباله فیبوناتچی، روشی در ریاضیات است که اعداد در اجزایی پیوسته با اعداد پیش از خود شمارش می‌شوند. در دنباله فیبوناتچی، هر عضو دنباله، با مجموع دو عدد پیش از خود برابر است. دو عدد نخست، دنباله ۱ است و اعداد پس از آن، با حاصل جمع

۲۳. نک: دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۸۱: پراکندگی تمامی حروف فواتح سور در سور مرتبط نک: بیضون، الإعجاز العددي في القرآن، ۲۳۰ تا ۲۳۱.

۲۴. نهاد جزار، إعجاز الرقم ۱۹ في القرآن الكريم، ۴۹ تا ۴۸؛ دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۲۴ تا ۲۳؛ قطانی، الصدفة المنظمة، ۴۴ تا ۴۸.

۲۵. بیضون، الإعجاز العددي في القرآن، ۲۴۲ تا ۲۴۳؛ سلیمان، الإعجاز العددي و الرقي، ۳۲ تا ۲۸.

۲۶. درباره حساب جمل یا حروف ابجد نک: البکری، بهاء، «حساب الجمل و الإعجاز العددي»، الندوة الثانية للإعجاز القرآن الكريم، ۸۳ تا ۸۸ و ۸۹ تا ۹۸؛

نهاد جزار، بسم، إحصاءات الإعجاز العددي، ۴۵ تا ۵۴، www.islamnoon.com

۲۷. رفاعی، احدى الكثير، ۴۹.

۲۸. رفاعی، احدى الكثير، ۷۲ تا ۷۱؛ نک: رفاعی، احدى الكثير، ۲۴۹ تا ۲۴۰.

۲۹. شریف، من المعجزة الرقمية، ۱۳۷ تا ۱۳۸.

دو عدد قبلیش برابر است: ۳۱

...، ۲۳۳، ۱۴۴، ۸۹، ۵۵، ۳۴، ۲۱، ۱۳، ۸، ۵، ۳، ۲، ۱، ۱

بر این اساس، در دنباله اعداد مرتبط با تعداد هر کلمه سوره اخلاص، مجموعه زیر حاصل می شود:

بسم - الله - الرحمن - الرحيم - قل - هو - الله - أحد - الله - ... - له - كُفُوًا - أحد

۳ ۷ ۱۳ ۱۹ ۲۱ ۲۳ ۲۷ ۳۰ ۳۴ ... ۵۹ ۶۳ ۶۶

اگرچه چینش این اعداد در کنار هم عدد بزرگی به دست خواهد داد، همان عدد نیز بر عدد ۷

بخش پذیر است. ۳۲

ج. قرائت اعداد به دو روش معکوس: یک ویژگی قرآن، منتج بودن اعداد معادل آیات، به شکل

عادی یا معکوس آن است؛ یعنی اعداد معادل، به شکل راست چین و چپ چین، بر ۷ بخش پذیرند. برای

نمونه، تعداد حروف در آیه آغازین قرآن «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين» عبارت اند از:

۶ ۶ ۴ ۳ ← چپ چین عدد نخست، ۶۶۴۳ و راست چین عدد دوم، ۵۳۲۷ بر عدد ۷

بخش پذیرند. این عملیات راست و چپ می تواند معنا یا تفسیری نوین برای «مثانی» در قرآن کریم تلقی

شود. ۳۳

نمونه ای دیگر، در سوره اخلاص وجود دارد. این سوره، ۴ آیه و محتوای آن، دو فراز یا بخش عمده

دارد: اثبات توحید و یکتایی پروردگار (قل هو الله أحد الله الصمد)، نفی فرزند یا شریک از خداوند (لم

یولد و لم یولد و لم یکن له کفواً أحد). دو فراز سوره به طور مختصر طبق جدول ذیل نمایان می شوند:

شماره آیه	۱	۲	۳	۴
تعداد حروف	۱۱	۹	۱۲	۱۵

$$1512=216 \times 7 \quad 119=17 \times 7$$

راست چین اعداد چپ چین اعداد

اعداد راست چین فوق یا ۱۱۹ و چپ چین یا معکوس ۱۵۱۲ می توانند معادل دو واژه عکس؛ یعنی

«اثبات و نفی» در زبان باشند؛ به تعبیری، همان مطلبی است که آیات شریفه در دو بخش اثبات یگانگی

۳۱. واحدیان درگاهی، تحدی ریاضیاتی قرآن کریم، ۱۶۰.

۳۲. کحیل، معجزه قل هو الله أحد، ۹۸؛ در حالی که برخی منابع به این دنباله در اثبات اعجاز عدد ۱۹ استناد کرده اند (نک: واحدیان درگاهی، تحدی ریاضیاتی قرآن کریم، ۱۶۰ تا ۱۶۲).

۳۳. کحیل، معجزه قل هو الله أحد، ۱۰۳.



پروردگار و نفی فرزند و همتا ارائه داده‌اند.<sup>۳۴</sup>

د. ساختار دوتایی: این ساختار بر پایه‌ای بسیط شکل گرفته است که همانا در اصل وجود (۱) یا عدم (۰) یک شیء است. نمونه آن، جست‌وجو در سورهٔ اخلاص برای یافتن وجود یا عدم حروف لفظ جلاله «الله» در آن است. کلمه‌ای که هریک از سه حرف «ا، ل، ه» در آن باشد، عدد یک و هرکدام را که فاقد حروف لفظ جلاله باشد، عدد صفر می‌پذیرد:<sup>۳۵</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله أحد ... له كُفُوا أحد

۱ ۱ ۱ ... ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۰

۱۱۱۰۱۰۱۱۰۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ = ۱۵۸۵۸۵۸۷۱۵۸۷۳۰۱۵۸۷۳۰۱۵۸۷۳۰ × ۷

ه. ساختار نقطه‌ای: ذیل سورهٔ اخلاص در بخش پیشین، شمارشی دیگر از نوع یا شبیه به ساختار دوتایی درخور بررسی است. واژگانی از سوره که حروف آن نقطه دارند، عدد یک و کلمات بی نقطه، صفر می‌پذیرند. عدد حاصل و همچنین معکوس آن بر ۷ بخش پذیرند.<sup>۳۶</sup>

۰۱۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰۰۰۰۰۱۱۱۰۱ ← ۱۰۱۱۱۰۰۰۰۰۰۱۰۰۱۰۱۰۱

#### ۴. ۱. عدد ۲۹

خداوند متعال، سورهٔ فاتحه را به‌عنوان «امّ الكتاب» برگزید که شامل ۷ آیه و ۲۹ کلمه است. علاوه بر این، تعداد سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند، ۲۹ سوره است.<sup>۳۷</sup> وجوه اشتراک عمده‌ای میان سورهٔ فاتحه و سورهٔ فتح برقرار است که ریشهٔ دو کلمه و تعداد کلمات سورهٔ فاتحه و تعداد آیات سورهٔ فتح است که هریک به تعداد ۲۹ کلمه و ۲۹ آیه پراکنده شده‌اند.<sup>۳۸</sup> آنچه بر تفرد سورهٔ فتح دلالت می‌کند، ذکر نام محمد مصطفی (ص) در آیهٔ ۲۹ آن است. جز این مورد، در سه آیهٔ ۱۴۴ آل عمران، ۴۰ احزاب و ۲ محمد نیز نام مقدس محمد ذکر شده است. آیهٔ آل عمران، ۲۷ کلمه و آیهٔ احزاب، ۱۷ کلمه و آیهٔ دوم محمد، ۱۸ کلمه دارند؛ مجموع کلمات این آیات، ۶۲ کلمه است. کلمهٔ شصت و سوم در آیهٔ ۲۹ سورهٔ فتح یافت می‌شود و آن واژهٔ نخست آیه، یعنی محمد است و در این بر ۶۳ سال عمر شریف رسول خدا (ص) دلالتی است. آیهٔ اخیر، ۵۴ کلمه دارد که با اضافهٔ کلمات سه آیهٔ پیش‌گفته، ۱۱۶ آیه یا مضربی از ۲۹ خواهد شد<sup>۳۹</sup>:  $۲۹ = ۴ \times ۱۱۶$

۳۴. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۷۴ تا ۷۳.

۳۵. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۹۹ تا ۱۰۰.

۳۶. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۹۹ تا ۹۸.

۳۷. دیسی، اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم، ۱۳ تا ۱۰.

۳۸. دیسی، اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم، ۶۳ تا ۶۲.

۳۹. دیسی، اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم، ۷۹ تا ۸۱.

### ۱. ۵. عدد ۱۲

عدد ۱۲ در قرآن کریم با خاندان رسول خدا (ص) پیوند می خورد؛ این گونه که علی بن ابی طالب (ع)، به عنوان ابوالانمّه بایستی ۱۲ حرف، یعنی به تعداد امامان معصوم (ع) داشته باشد.<sup>۴۰</sup> وجود ۱۲ حرف علی بن ابی طالب در قرآن و ۱۲ حرف بودن هریک از عبارات «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صافات: ۳۵، محمد: ۱۹) و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» (فتح: ۲۹) روشن می شود.<sup>۴۱</sup> در آیه ۲ سورة زخرف «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» ۱۲ حرف دارد که در روایات، مراد از آن علی بن ابی طالب (ع) است.<sup>۴۲</sup> همچنین در آیه ولایت (مائده: ۵۵) «يُثَبِّتُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» با ۱۲ حرف خود بر علی بن ابی طالب (ع) دلالت می کنند.<sup>۴۳</sup> علاوه بر این ها، سورة کوثر به تنهایی بر اهل بیت و دوازده امام دلالت دارد، گرچه صاحبان این سخن، عدد ۱۲ را عددی ویژه و پایه عددی سورة کوثر بر شمرده و به مذهب بی ارتباط دانسته اند.<sup>۴۴</sup> پیوند سورة کوثر با عدد ۱۲ غالباً با عملیات چهارگانه ریاضی به اثبات می رسد. برای نمونه، حاصل ضرب تعداد حروف، کلمه ها و آیات سورة در یکدیگر، عدد ۱۲۹۰ را نتیجه می دهد: (۳×۱۰×۴۳=۱۲۹۰) که مجموع ارقام این عدد نیز ۱۲ است: (۱+۲+۹+۰=۱۲).<sup>۴۵</sup>

### ۱. ۶. عدد ۱۴

نزدیک به آنچه در دلالت عدد ۱۲ در قرآن گفته شد، ذیل عدد ۱۴ نیز گفته اند. بدین ترتیب که برخی آیات، غیر مستقیم بر عصمت چهارده معصوم (ع) دلالت دارند. از این دسته می توان آیاتی را ذکر کرد؛ از جمله «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ» (صافات: ۱۳۰)، مشتمل بر ۱۴ حرف؛ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) شامل ۱۴ کلمه.<sup>۴۶</sup>

### ۱. ۷. عدد ۵

ارتباط عدد ۵ و قرآن، به ارتباط اصحاب کساء و واژگان «کسوة»، «فکسونان» یا سایر مشتقات آن که مجموعاً در ۵ آیه پراکنده اند، باز می گردد.<sup>۴۷</sup> اگر تعداد حروف نام های پنج تن اصحاب کساء «محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین» نوشته شوند، مجموع آن ها با ۱۹ برابر خواهد شد که در نظریه رشاد خلیفه، کلید

۴۰. فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱۵۶.

۴۱. فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱۶۰.

۴۲. فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱۶۵ تا ۱۶۴؛ نک: بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ذیل زخرف: ۲.

۴۳. فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱۸۱ تا ۱۷۹؛ نک: فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی، ۲۲۵ تا ۱۶۶؛ نجدی، من الإعجاز البلاغی، ۱۱۲ تا ۸۹.

۴۴. قوام پور، آنالیز عددی سورة کوثر، ۸۰.

۴۵. قوام پور، آنالیز عددی سورة کوثر، ۸۱؛ نک: قوام پور، آنالیز عددی سورة کوثر، ۸۴ تا ۸۱.

۴۶. فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۲۹۵ تا ۲۹۶؛ نک: فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی، ۳۰۰ تا ۲۹۹.

۴۷. نک: فقیه، الکشف فی الإعجاز القرآنی، ۳۳۱ و ۳۳۹ تا ۳۲۸.

عددی قرآن است.<sup>۴۸</sup>

## ۲. رسم‌المصحف

«رسم‌المصحف» اصطلاحی در علوم قرآنی است که دربارهٔ شیوهٔ نگارش کلمات و حروف قرآن کریم بحث می‌کند.<sup>۴۹</sup> علما، پنج قاعده برای رسم‌المصحف برشمرده‌اند: حذف، زیادت، همزه، بدل، فصل و وصل.<sup>۵۰</sup>

### ۲.۱. حذف

«حذف»، یعنی نوشته نشدن یک یا چند حرف در نوشتار؛ به عبارتی دیگر، برخی واج‌های یک واژه در نوشتار ثبت نمی‌شوند. حذف (نوشته نشدن) در قرآن به اشکال گوناگون رخ داده است: ۱. حذف (نوشته نشدن) الف؛ مانند الغفرین، الخطئون، السموات، هذان السحران، ابرهیم و هرون، وعدنکم، زدنهم؛<sup>۵۱</sup> ۲. حذف (نوشته نشدن) یاء؛ از قبیل الداع، یؤت، فارهبون، متاب، یحی، ابراهم، ...؛<sup>۵۲</sup> ۳. حذف (نوشته نشدن) واو؛ مانند یمح، صلح المؤمنین، یلع، سنده، الغاون، داود، وری؛<sup>۵۳</sup> ۴. حذف لام و نون؛ مانند والتی، الذین، نجی، لننظر، لننصر.<sup>۵۴</sup>

با نگاهی به چاپ‌های گوناگون قرآن به دست می‌آید که رسم بسیاری از واژگان از جهت حذف برخی حروف، از جمله حالت جمع و مفرد واژگان مشابه، اختلافی است؛ مثلاً «بخارجین» و «خسئین» بدون الف<sup>۵۵</sup> و در مقابل، «بخارج» و «خاستاً» با الف کتابت شده‌اند،<sup>۵۶</sup> در حالی که در مصحف به خط احمد نیریزی، رسم دو واژه نخست، به صورت «بخارجین»<sup>۵۷</sup> و «خاسئین»<sup>۵۸</sup> است. اختلاف نوشتاری «بسیمهم» (اعراف: ۶ و ۴۸)<sup>۵۹</sup> «بسیمهم» (الرحمن: ۴۱)<sup>۶۰</sup> و «سیمَاهُم» (فتح: ۲۹)<sup>۶۱</sup> نیز به چشم

۴۸. واحدیان درگاهی، تحذی ریاضیاتی قرآن کریم با سایر کتب، ۱۲۵؛ بیضون، الإعجاز العددي فی القرآن، ۲۰۷.

۴۹. زرقانی، مناهل العرفان، ۳۶۹/۱.

۵۰. زرقانی، مناهل العرفان، ۳۶۹/۶.

۵۱. ضیاع، سمیر الطالین، ۳۰ تا ۳۱ و ۳۷ تا ۳۸.

۵۲. ضیاع، سمیر الطالین، ۴۹ تا ۴۸.

۵۳. ضیاع، سمیر الطالین، ۵۰.

۵۴. ضیاع، سمیر الطالین، ۵۰.

۵۵. مصطفی نظیف، ۱۹؛ مدینه، ۲۵.

۵۶. نیریزی، ۱۴۷ و ۵۹۵؛ مصطفی نظیف، ۱۱۴ و ۴۴۹؛ مدینه، ۱۴۳ و ۵۶۲.

۵۷. ۱۱۶.

۵۸. ۱۰.

۵۹. مدینه، ۱۵؛ مصطفی نظیف، ۱۲۴؛ لاهورکراچی، ۲۵۶ و ۲۵۵.

۶۰. مصطفی نظیف، ۴۲۵؛ مدینه، ۵۳۳؛ لاهورکراچی، ۸۸۳.

۶۱. مصطفی نظیف، ۴۱۱؛ مدینه، ۵۱۵؛ نیریزی، ۵۴۰؛ لاهورکراچی، ۸۵۲.

می خورد؛ با این تفاوت که «بسیمهم» و «بسیمهم» در سوره اعراف و الرحمن، در مصحف به خط نیریزی<sup>۶۲</sup> «بِسْمِآهُم» کتابت شده‌اند.

در هریک از نمونه‌های حذف الف، واو و یاء، اختلاف در تعداد حروف کلمه پیش می‌آید. به‌ویژه در نمونه‌هایی مثل «ملک و مالک»، «باسم و بسم»، «ابرهیم و ابرهم»، «یمح الله»، تمامی نمونه‌هایی که حروف الف، یاء، واو و حتی لام و نون در «آلی» و «نجی» حذف شده‌اند، دست‌کم یک حرف را نسبت به اصل و بنای واژه کم می‌کند. کسر از تعداد حروف واژه را در «لننصر» و «لننظر» نیز می‌توان یافت. این مطلب درباره حذف الف وصل که در بالا گفته شد نیز صادق است. بنابراین، در همه پژوهش‌هایی که اعداد را به تعداد حروف کلمه مرتبط ساخته‌اند، با فرض شمارش محذوفات که در اصل، واژه بوده‌اند، نتیجه آماری متفاوت خواهد شد. در تناسب عددی که از تشابه سوره فلق و عصر از نظر تعداد حروفشان گفته‌اند، تعدادی از کلمه‌های سوره عصر می‌تواند این مدعا را نفی کند. واژگان «الَّذِينَ» (عصر: ۳) در حذف یک لام، به‌ویژه وقتی بپذیریم علامت تشدید را از دوران آغازین کتابت قرآن روی حروف قرار نمی‌دادند و اینک با نوشتن تنها یکی از حروف هم‌جنس، گویی حرفی را در کلام حذف کرده‌اند؛ «الإنسن» در آیه نخست را بنا بر نسخه قاهره<sup>۶۳</sup> و «الصلحت» (عصر: ۳) در همان نسخه<sup>۶۴</sup> با حذف یک الف در «انسن» و دو الف در «الصلحت»؛ علاوه بر سوره عصر، واژگان «یحی، ابرهم» به ترتیب در آیات ۶۸ غافر و ۱۲۴ و ۱۳۰ بقره با حذف «یاء» بنا بر نسخه قاهره، در حالی که مثلاً نسخه ایرانی طاهر خوشنویس دو واژه را «یحیی، ابراهیم» نگاشته است؛ واژگان «سندع، فلیدع» در سوره علق با حذف واو که اصل آن دو «ندعو، یدعو» بوده است، جملگی تعداد حروف واژه را دگرگون ساخته‌اند. درباره تعداد حروف آیه بسم که ۱۹ حرف بر شمرده‌اند نیز حذف الف وصل در «بسم» به هر دلیلی که بوده باشد، چالشی پیش روی محققان آماری نهاده است که تنها با احتساب همزه محذوف «بسم» ۲۰ حرف خواهد داشت، به‌ویژه آنکه مشابه «بسم» در واقعه: ۷۴، علق: ۱، حاقه: ۵۲ با اثبات همزه و به صورت «باسم ربک» کتابت شده‌اند.

ذیل عدد ۱۲ که به آیه ۲ زخرف «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» نیز برای اثبات مذهب استناد کرده، باید گفت: رسم «الکتاب» به اثبات الف به تعداد ۱۲ حرف در عبارت می‌انجامد و اثبات الف در «الکتاب» مطابق قرآن‌های چاپ ایران، همانند قرآن به خط طاهر خوشنویس،<sup>۶۵</sup> اما در قرآنی چون نسخه قاهره، همین واژه

۶۲. ۱۶۱۵۱۶۰ و ۵۶۱.

۶۳. ۸۲۰.

۶۴. ۸۲۱.

۶۵. ۴۵۳.

بدون الف و به صورت «الکتاب المبین» کتابت شده است.<sup>۶۶</sup> علاوه بر این، کتابت حرف «واو» در آغاز آیه، به همراه عبارت بعدش به صورت «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» (زخرف: ۲) خود چالش دیگری است و به حروف و کلمه در بخشی دیگر از مباحث مرتبط می‌شود. در سورهٔ کوثر نیز نسخهٔ قاهره واژه «اعطینک» را بدون الف کتابت کرده، در حالی که در نسخهٔ طاهر خوشنویس با الف «اعطیناک» نوشته است. بنابراین، در نسخهٔ قاهره، سورهٔ کوثر، ۴۲ حرف<sup>۶۷</sup> و در نسخهٔ طاهر خوشنویس، ۴۳ حرف<sup>۶۸</sup> دارد. به نظر می‌رسد صاحب فرضیهٔ اثبات عدد ۱۲ در سورهٔ کوثر به قرآن‌های چاپی که رسمشان به اثبات «الف» بوده، استناد کرده است.

## ۲.۲. زیادت

از جمله واژگان قرآن که رسم‌النخطی ویژه دارند و نسبت به رسم‌النخط متداول، غیر معمول به نظر می‌رسند، زاید شدن الف، یاء، واو در واژه است که با تلفظ آن تطابق ندارد. برای نمونه، در مصاحف، حرف الف در عبارات «لا اذبحنه، مائه و مائتین، لکنا، لثائ، الرسولا، السببلا، تفتوا، الربوا، امرؤا و...»، حرف یاء در «اناء اللیل، تلقاء نفس، بأیکم، ایتاء ذی القربی، أفانن، ملائهم، اللائی و...» و حرف واو در واژگان «اولی، اولوا، اولاء، اولنک، ساوریکم، لأوصلینکم و...» به اصل واژه اضافه شده، اما تلفظ نمی‌شوند، در حالی که نمونه‌هایی مشابه چون تمامی موارد «باء، جاء» و... بدون الف زاید کتابت شده‌اند.<sup>۶۹</sup> در مصاحف نیز زاید بودن یاء در «تلقاء»<sup>۷۰</sup> و واو در «لأوصلینکم»<sup>۷۱</sup> محل اختلاف بوده یا واو را حذف کرده‌اند. عمدهٔ پژوهشگران آماری، به دلیل محدودیت تحقیقاتشان، روی تمامی سوره‌ها مطالعات آماری نکرده‌اند که بتوان آیاتی مشخص در هر بحث را نقل و نقد کرد؛ مثلاً در نمونه‌های قرآنی فوق و سوره‌های حاوی آن‌ها، بررسی آماری به لحاظ تعداد حروف سوره و آیه یافت نشد، لکن می‌توان کلیت نتایج ایشان را در بحث زیادت حروف نقد کرد که با توجه به سایر نمونه‌های ارائه شده از ایشان، گویی به مبحث زواید حروف توجهی نداشته‌اند.

علاوه بر نمونه‌های بالا که حروفی زاید در کتابت دارند، شاید بتوان برخی حروف را که برای سهولت در قرائت، در رسم وارد کرده‌اند نیز دلیل بحث زیادت حروف گنجانند؛ مثلاً در قرآن به خط مصطفی

۶۶. ۶۴۷.

۶۷. ۸۲۴.

۶۸. ۵۶۷.

۶۹. نک: ضیاع، سمیر الطالینی، ۵۳ تا ۵۶.

۷۰. ضیاع، سمیر الطالینی، ۵۰.

۷۱. ضیاع، سمیر الطالینی، ۵۶.

نظیف،<sup>۷۲</sup> مصحف مدینه<sup>۷۳</sup> و قاهره<sup>۷۴</sup> برای نشان دادن «های» ضمیر در کلماتی چون «بعهد» (توبه: ۱۱۱) و «آخره»، یک «یاء» و «واو» کوچک در پایان کلمه می‌گذارند (بِعَهْدِهِ - ءَاخِرُهُ)، درحالی‌که در مصحف ایرانی به خط نیریزی<sup>۷۵</sup> و طاهر خوشنویس،<sup>۷۶</sup> «واو» یا «یاء» در پایان کلمه وجود ندارد. گویا در دسته نخست مصاحف، به دلیل افزودن یک «یاء» و «واو» مدّی در اصل کلمه، عملاً حرفی را به تعداد حروف واژه افزوده‌اند و این، تغییری را در شمارش حروف و در نتیجه عملیات ریاضی حاصل می‌کند. به‌طورکلی، در بحث زیادت حروف، آن‌گاه که حروف کلمه را با و بدون حرف زاید شمارند، دو نتیجه متفاوت خواهد داشت.

### ۲.۳. همزه

همزه، صرف نظر از تاریخچه و کاربرد آن به جای مصوت‌های بلند الف، یا، واو،<sup>۷۷</sup> گاه خلاف تلفظش کتابت می‌شود؛ از آن جمله نمونه‌هایی چون «فأذنوا، و سئل، لله، جمله انشائی استغفرت به شکل استفهام، بسم الله» و جز آن‌ها هستند که حرف همزه کلاً حذف شده است.<sup>۷۸</sup> نمونه‌های همزه در رسم قرآنی بسیار است و به دلیل ویژگی منحصر به فرد این حرف، به لحاظ قرائت، همزه را در تمامی قبایل تلفظ نمی‌کردند.<sup>۷۹</sup> همچنین نوشتار و تاریخچه آن، رسم و قرائت آن در بیشتر نمونه‌های محل بحث است. از مستندات آماری مربوط به همزه می‌توان به تناسب عددی دو سوره «فلق» و «عصر» اشاره کرد که هر دو را ۹۰ حرف برشمرده‌اند. در آیه سوم سوره عصر آن‌گاه که واژه «امنوا» را همانند نسخه قاهره با اثبات همزه بنگارند (ءَامِنُوا)، ۶ حرف دارد و آن‌گاه که همچون نسخه ایرانی به خط طاهر خوشنویس همزه را حذف کنند (أَمِنُوا)، ۵ حرف خواهد داشت. با فرض صحت شمارش سایر حروف سوره، تنها در همین یک واژه (ءَامِنُوا - أَمِنُوا) تعداد کل حروف سوره با اثبات همزه ۹۰ حرف و با حذف آن ۸۹ حرف دارد. این در حالی است که طبق کتابت نسخه قاهره، تعداد حروف سوره عصر، ۹۰ حرف و بر پایه کتابت نسخه طاهر خوشنویس، ۱۰۲ حرف است.<sup>۸۰</sup> با وجود اختلاف شمارش در دو نسخه به نظر می‌رسد صاحب این

۷۲. ۱۶۳.

۷۳. ۲۰۴.

۷۴. ۲۶۱.

۷۵. ۲۰۹.

۷۶. ۱۸۹.

۷۷. نک: حمد، رسم الخط مصحف، ۳۲۱ تا ۳۲۲؛ عبدالنواب، مباحثی در فقه اللغة، ۴۵۸ تا ۴۶۴ و ۴۵۲.

۷۸. نک: ضیاع، سمیر الطالین، ۵۶ تا ۵۷.

۷۹. نک: عبدالنواب، مباحثی در فقه اللغة، ۴۵۳.

۸۰. نک: نسخه قاهره، ۸۲۰ تا ۸۲۱؛ نسخه طاهر خوشنویس، ۵۶۵ تا ۵۶۶.

فرضیه<sup>۸۱</sup> قرآن چاپ قاهره را معیار گرفته است.

### ۲.۳.۱. رسم همزهٔ خلاف قاعدهٔ کتابت

گاه همزهٔ آغاز یا پایان کلمه، خلاف قاعده کتابت می‌شود. قاعده آن است که همزه پس از حرکت فتنحه بر پایهٔ الف نوشته می‌شود، لکن کلماتی هستند که همزهٔ آن‌ها بر پایهٔ واو نوشته شده و پس از واو نیز الف زایدی آمده است. از این قبیل: «من عباده العَلْمُؤُا» در سورهٔ فاطر، «يُنشِئُا» در سورهٔ زخرف و «الضُّعْفُؤُا» در سورهٔ ابراهیم و غافر هستند؛ برخلاف اینکه در سورهٔ بقره «ضُعْفَاءُ» طبق قیاس آمده است.<sup>۸۲</sup> نمونه‌های خلاف قاعدهٔ دیگر چون «لَيْتَنَّا نَجِيَّتَنَا» در سورهٔ یونس بدون الف، «نَشِئُا» در سورهٔ هود، «بُرءَاؤًا مِّنْكُمْ» در سورهٔ ممتحنه با یک واو و الف، «وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ» با الف بدون واو و جز آن‌ها را می‌توان ذکر کرد؛<sup>۸۳</sup> مثلاً در دو رسم «ضُعْفُؤُا» و «ضُعْفَاءُ» که پس از «فا»، حرف الف است، با این تفاوت که «الف» در ضُعْفَاءُ، کتابت شده و در «ضُعْفُؤُا» حذف شده است. در «ضُعْفُؤُا» همزهٔ پس از الف محذوف (و ساکن)، بر پایهٔ واو کتابت شده و یک الف زاید در پایان واژه آمده است؛ یعنی در «ضُعْفَاءُ» هرچه قرائت می‌شود نوشته شده، لکن در «ضُعْفُؤُا» الف خوانا در رسم حذف شده، اما الفی ناخوانا در پایان واژه آمده است. گویی «ضُعْفَاءُ» ۵ حرف و «ضُعْفُؤُا» با همان الف مقروء و محذوف، ۶ حرف دارد.

بررسی نمونه‌هایی که در آن‌ها همزه با «واو» یا «یا» آمده، نشان می‌دهد که کاتبان گاه آنچه شنیده می‌شود عیناً کتابت کرده‌اند و گاه «واو» و «یا» را پایهٔ همزه قرار داده‌اند بی‌آنکه معادل حرفی برای «واو» و «یا» در کلمه بیاورند. این نکته را در رسم «المؤءُردة» در مصحف قاهره<sup>۸۴</sup> و نیز «المؤءُدة» در رسم ایرانی به‌خط طاهر خوشنویس<sup>۸۵</sup> می‌توان مشاهده کرد. در رسم نخست، ۸ حرف و در رسم اخیر ۷ حرف به کار گرفته شده است.

### ۲.۳.۲. همزهٔ وصل

اگرچه همزهٔ وصل در اصل واژه بوده باشد، در همهٔ مواردی که در تلفظ حذف می‌شود، در کتابت نیز حذف می‌شود. علما نمونه‌هایی را در این حذف گفته‌اند؛ از قبیل، حذف همزهٔ وصل در «بسم الله»،<sup>۸۶</sup> لله، للدار، للذی، در فعل امر فسل-وسئلوا،<sup>۸۷</sup> همزهٔ مکسور و مفتوح پس از همزهٔ استفهام در دو نمونه

۸۱. خطیب، أسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۸۲.

۸۲. دانی، المقنع، ۵۸ تا ۵۶؛ مارغنی تونسسی، دلیل الحیران، ۳۰۱ تا ۳۰۰.

۸۳. نک: ابن ابی داود، المصاحف، ۱۵۰ تا ۱۴۷ و ۱۱۶ تا ۱۱۷.

۸۴. ۷۹۴.

۸۵. ۵۵۰.

۸۶. مارغنی تونسسی، دلیل الحیران، ۱۳۸.

۸۷. حمد، رسم الخط مصحف، ۴۰۱.

«اصطفی، اتخذتم».<sup>۸۸</sup> حذف یا اثبات نشانه همزه وصل در رسم واژه چندان اثرگذار نیست، لکن بر قرائت آن از جهت ترتیب و تعداد حروف اثر می‌گذارد؛ مثلاً هجای واژه «فانصرنا» با همزه قطع «ف-أَنْ-صُر-نا» با ۷ حرف و با همزه وصل، «فَنْ-صُر-نا» با ۶ حرف است و اختلاف هجایی آن در دستور زبان که به ترتیب بر وزن «مَفَاعِلُنْ، مَفْعُولُنْ» هستند، آشکار است. این اختلاف در هجاء و تعداد حروف، درباره بسیاری از واژگان دیگر که الف وصل دارند نیز صادق است و این خود بر نتایج پژوهش‌هایی که مبنایشان تعداد حروف بوده تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً در سوره کوثر عبارت «وَأَنحِرْ» و «هُوَ الْأَبْتَرُ» همزه وصل دارند. عبارت نخست در قرائت با همزه وصلش، ۲ هجاء و ۴ حرف (وَنْ - حَر) و عبارت دوم، ۴ هجاء و ۷ حرف (هُ - وُلْ - أَبْ - تَر) دارد. درحالی‌که دو عبارت با همزه قطع به ترتیب ۳ هجاء و ۵ حرف (وْ - اِنْ - حَر) و ۵ هجاء و ۸ حرف (هُ - وْ - اَلْ - أَبْ - تَر) دارند. گویی قرائت با همزه وصل، یک حرف از تعداد حروف واژه نسبت به همزه قطع آن می‌کاهد. همچنین اختلاف در رسم همزه وصل در قرآن‌ها نیز دیده می‌شود؛ مثلاً قرآن ترکی به خط مصطفی نظیف<sup>۸۹</sup> و قرآن‌های ایرانی به خط فضائلی و طاهر خوشنویس<sup>۹۰</sup> همزه وصل را در «خَيْرٌ اِهْبَطُوا»<sup>۹۱</sup> با افزودن «ن» مکسور به صورت «خَيْرٌ اِهْبَطُوا» یا «خَيْرٌ اِهْبَطُوا» نشان داده‌اند، درحالی‌که «ن» مکسور در مصحف قاهره<sup>۹۲</sup> و قرآن ترکی به خط مصطفی نظیف به چشم نمی‌خورد و به همان صورت «مَثَلًا الْقَوْمُ» (اعراف: ۱۷۷) نگارش شده است.<sup>۹۳</sup>

## ۲. ۴. بدل

«بدل» در کتابت آن است که حرفی جای حرف دیگر نشیند. بدل در قرآن به شیوه‌های گوناگون رخ

داده است:

أ. رسم «یا» به جای «الف»: مانند «هدیهم، یأسفی، رمی، اوزان فُعالی، فِعلی و...، حتّی، علی، بلی، لدی»<sup>۹۴</sup> سجی، الضحی، دحی‌ها، العلی، القوی و...؛ در این باره جدول تنازلی یا ابجد قرآنی می‌تواند مثالی نقض باشد که مثلاً «و ما ادریک» در سوره قدر یا «والضحی» در سوره ضحی، حرف «یا» با رسم «الف»؛ یعنی پرکاربردترین حرف، عدد ۱ و با رسم «یا» یا حرفی با کاربرد کمتر از الف، ارزش عددی دیگری خواهد داشت. تفاوت دو عدد در نتیجه جمع اثر می‌گذارد.

۸۸. مارغنی تونسسی، دلیل الحیران، ۱۳۶.

۹. ۸۹.

۱۰. ۹۰.

۹۱. بقره: ۶۱.

۱۲ ۹۲.

۹۳. قاهره، ۲۲۲؛ مصطفی نظیف، ۱۳۸.

۹۴. «لدا» در سوره یوسف بالاتفاق با الف کتابت شده است.



**ب. کتابت واو به جای الف:** کلماتی چون «الغدوة، کمشکوة، الصلوة، الزکوة، منوة، الربوا، الغدوة و...» آن‌گاه که معرفه به الف و لام باشند با واو، لکن در حالت اتصال به ضمیر؛ مانند «صلاتی، حیاتکم» با الف، کتابت می‌شوند. همانند توضیح مورد پیشین، ارزش عددی کمشکاة با الف در سورهٔ نور با ارزش عددی همین واژه در همین سوره با واو (کمشکوة) متفاوت است؛ چراکه بسامد حرف واو در کل قرآن و از جمله سورهٔ نور با بسامد حرف الف یکسان نیست.

**ج. نوشتار صاد به جای سین:** نمونهٔ بارز چنین نوشتاری در مطالعات آماری اختلاف نگارش حرف «ص» و «س» در واژگان یکسان بود که در اثبات اعجازی عدد ۷ گفته شد.<sup>۹۵</sup> اگر کاربرد صاد به جای سین در رسم پیشینیان از اغلاط قرآنی در رسم به شمار نیاید،<sup>۹۶</sup> می‌توان گفت از ویژگی‌های زبانی مخاطبان قرآن است؛ بدین معنا که، حرف سین آنجا که با حروف مستعلیه (ع، ق، ح، ط) همراه شود، تلفظش از سین به صاد نزدیک می‌شود. هرچه در واژه «س» به هریک از آن حروف نزدیک‌تر باشد، تبدیل صدای سین به صاد لازم‌تر می‌شود. از نمونه‌های آن در قرآن، واژگان «المصیطرون» (طور: ۳۷)، «بمصیطر» (غاشیه: ۲)، «الصراط» (فاتحه: ۷) را می‌توان برشمرد. دو نمونهٔ دیگر از این دست «ییسط» است که در قرآن به صورت «ییسط» (بقره: ۲۴۵) و نیز واژهٔ «بسطة» (بقره: ۲۴۷) که در سورهٔ اعراف به صورت «بصطة» (اعراف: ۶۹) آمده است. این توضیحات، به قرائت واژه ارتباط دارد؛ لکن کاتب گاه آنچه از صاد و سین می‌شنیده در رسم وارد می‌کرده و این نکته از اختلاف نوشتاری دو واژه هم‌ریشهٔ «ییسط» (بقره: ۲۴۵) و «بسطة» (بقره: ۲۴۷) به دست می‌آید. اکنون اگر فرض شود «بصطة» در اعراف با اصل و ریشهٔ واژه (بَسَطَ) کتابت شود، نقض مدعای پژوهشگران در اثبات اعجاز عدد ۷ در سورهٔ اعراف است؛ چراکه با فرض اخیر بسامد حرف صاد یکی کمتر می‌شود (۹۷-۱=۹۸).

**د. تبدیل نون به الف:** در عبارات «إِذًا»، «لیکونا» در سورهٔ یوسف و «لنسفعا» در سورهٔ علق، نون تأکید با الف نوشته می‌شود.<sup>۹۷</sup> نمونه‌ای دیگر، «إِذَن» است که نحویان گرچه کتابت اذن را با نون لازم دانسته‌اند، لکن در تمامی نمونه‌های قرآنی آن<sup>۹۸</sup> با الف کتابت شده که برخی احتمال داده‌اند سببش وقف بر الف باشد،<sup>۹۹</sup> درحالی‌که «إِذًا» را همواره با الف نوشته‌اند. رسم «کائن» با نون است (سیوطی، ۳۳۶/۲). گفتنی است که اصل کلمه، نه با الف یا تنوین، بلکه با نون ساکن است و نوشتار آن گرچه در تمامی

۹۵. نک: ص ۶ همین نوشتار.

۹۶. نک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۳۲۵ تا ۳۱۵/۱.

۹۷. الضیاع، سمیر الطالین، ۶۵ تا ۶۲.

۹۸. از جمله: اسراء: ۷۶ تا ۷۵، انعام: ۵۶، نساء: ۵۳.

۹۹. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۴۱.

نمونه‌های قرآنی اش «إذا» آمده باشد، چنان‌که ذکر شد احتمالاً بر پایه تلفظ کلمه در حالت وقف و نه بر پایه اصل آن کتابت شده است.

بدل، فی نفسه تأثیر چندانی در نتیجه پژوهش‌های آماری از جهت تعداد حروف کلمه ندارد، لکن بنا بر شمارش حروفی که در قرآن‌های چاپی لحاظ شده، حرف «ن» تأکید خفیفه که در اصل واژه بوده اما در متن کنونی نیست، تعداد حرف در یک سوره نسبت به تعداد اصل آن حرف تفاوت می‌کند. مثلاً بسامد حرف الف در سوره یوسف با مطلع «الر» آن‌گاه که «لیکونا» نوشته شود، یک الف اضافه و آن‌گاه که طبق اصل، یعنی «لیکونن» نوشته شود یک الف کم دارد. همین مطلب درباره پراکندگی حرف الف در سوره بقره با آغاز «الم» و در واژه «إذا» (بقره: ۱۴۵) و «إذَنْ» که نوشتار نحوی اش با «نون» است، یک الف کم و زیاد می‌شود. یادآوری می‌شود که مطالعات آماری به دلیل محدودیتشان، تمامی سوره‌های قرآن را در شمارش تعداد حروف، کلمات و بسامد حروف در بر نمی‌گیرد و کلیت مطالب فوق، تنها نقد یا نقضی بر روش پژوهش آن‌ها در اثبات اعجاز قرآن است.

## ۲.۵. وقف

در زبان عربی، گاه وقف در پایان کلمه صورت می‌گیرد و حرکت حرف پایانی را تغییر می‌دهد. این تغییر تا آنجاست که صورت نوشتاری حرف را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کاتب، آن را همان‌طور که می‌شنود و نه بر پایه اصل آن حرف و حرکت در حال وصل می‌نویسد.<sup>۱۰۰</sup> مواردی دیده می‌شود که در اثر وقف، نگارش واژه نسبت به سابق خود دگرگون شده است:

أ. تنوین: نون ساکنی است که در پایان اسامی منصرف اضافه شود.<sup>۱۰۱</sup> نوشتار تنوین، همواره یکسان نیست و گاه به شکل دو حرکت روی هم یا در کنار هم نوشته می‌شود. اگر پس از تنوین، حرف «ب» واقع شود، بنا بر آنچه تلفظ می‌شود یک میم کوچک در کنار حرکت ظاهر می‌شود. (علیمٌ بذات الصدور)،<sup>۱۰۲</sup> از این‌رو دیده می‌شود که بعضی قرآن‌ها قواعد تجویدی را در خط برای نشان دادن تنوین نمایان ساخته‌اند؛ برای نمونه، در عبارتی چون «لَهُوَ أَنْفُصُوا» (جمعه: ۱۱) نون را در میانه عبارت گذاشته‌اند. در مصاحف این دوگانگی «لَهُوَ أَنْفُصُوا»<sup>۱۰۳</sup> و «لَهُوَ أَنْفُصُوا»<sup>۱۰۴</sup> به چشم می‌خورد و طبیعی است که رسم «ن» در عبارت، یک حرف را نسبت به رسم اولیه آن افزوده است؛ مثلاً نوشتار عبارت، صرف نظر از ادغام و...، با

۱۰۰. نک: حمد، رسم الخط مصحف، ۲۳۹.

۱۰۱. دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۵۷.

۱۰۲. نک: مارغنی تونسسی، دلیل الحیران، ۴۲۸ تا ۴۲۹.

۱۰۳. مدینه، ۵۵۴؛ قاهره، ۷۴۲؛ مصطفی نظیف، ۴۴۲.

۱۰۴. تبریزی، ۵۸۶؛ طاهر خوشنویس، ۵۱۵؛ لاهورکراچی، ۹۲۲.

ثبت «ن»، ۱۱ حرف و بدون آن، ۱۰ حرف دارد. علاوه بر نوسان تعداد حروف آیه، تلفظ تنوین بر فرض که حرف نشانگر اتصال تنوین به کلمهٔ مابعدش را جزئی از رسم آن سوره شمارند، می‌تواند در بسامد حروف در سوره‌ها اثر گذارد؛ مثلاً در «رسول<sup>۲</sup> بما» (بقره: ۸۷) که سوره با فاتحهٔ «الم» آغاز می‌شود، مصاحفی که «م» را نوشته‌اند،<sup>۱۰۵</sup> تنها در همین واژه، یک میم به تعداد حروف «م» در سورهٔ بقره افزوده‌اند. این مسئله، ذیل عبارت «علیم<sup>۲</sup> بذات الصدور» (لقمان: ۲۳) دربارهٔ بسامد حرف «م» در سورهٔ لقمان با آغازگر «الم» نیز صادق است.

**ب. وقف در رأس الآیة:** در پژوهش‌های آماری، لزوماً مثال عددی که چنین وقفی را توجیه کند نیامده است و به نظر می‌رسد این به دلیل محدودبودن پژوهش‌ها در سوره‌هایی مشخص و غالباً از سوره‌های کوتاه جزء سی‌ام قرآن کریم است. باین حال، تفسیر کلیت آن این است که اگرچه واژه پایانی آیه‌ای «ال» معرفه داشته باشد، الف عوض تنوین در حالت وقف پایان آیه اثبات می‌شود. نمونهٔ روشن آن آیات ۱۰ و ۶۸ تا ۶۴ سورهٔ احزاب است که هریک به ترتیب به «الظنوناً، سعیراً، نصیراً، الرّسولاً، السبیلاً، کبیراً» ختم شده‌اند. واژه اول، چهارم و پنجم که خود معرفه‌اند، با الف آمده‌اند. در برخی واژگان مانند «قواریرا» در «کانت قواریرا\*قواریرا من فضة قدروها تقدیرا» (انسان: ۱۵ تا ۱۶) گروهی آن را با تنوین در حالت وصل و با الف در حالت وقف و گروهی دیگر آن را در حالت وصل بدون تنوین و الف و در حالت وقف بدون تنوین و الف یا بدون الف خوانده‌اند.<sup>۱۰۶</sup> بدیهی است، حذف الف عوض تنوین مثلاً در «الظنوناً» ۱ حرف از تعداد ۷ حرف اولیهٔ واژه کم می‌کند.

**ج. کائین:** برخی معتقدند در قرآن کریم تنها در واژهٔ «کائین» است که تنوین، نه به صورت الف، بلکه به صورت نون آمده است. «کائین» هفت مرتبه در سوره‌های آل عمران: ۱۴۶؛ یوسف: ۱۰۵؛ حج: ۴۵ و ۴۸؛ عنکبوت: ۶۰؛ محمد: ۱۳؛ طلاق: ۸ تکرار شده است که این واژه نه در حالت وقف، بلکه در حالت وصل اراده شده است.<sup>۱۰۷</sup> هیچ‌یک از شش سورهٔ مزبور تا آنجا که بررسی شد، از جهت شمارش تعداد حروف، محل تحقیق پژوهشگران آماری نبوده است. بدیهی است، «کائین» اگر با حذف نون ساکن و به صورت تنوین «کائی» نوشته شود، در تعداد حروف کلمه با صورت مکتوب که در رسم مصحف آمده، متفاوت خواهد بود.

**د. نگارش تای تأنیث در اسم‌ها:** کلماتی از قبیل؛ «رحمت، سنت، لعنت، امرأت، فطرت، قُرت

۱۰۵. مدینه، ۱۳؛ قاهره، ۱۷؛ طاهر خوشنویس، ۱۴.

۱۰۶. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۴۲.

۱۰۷. دانی، المقتع، ۴۴.

و...» با تاء کشیده کتابت شده‌اند، درحالی که در برخی مواضع همانند: «الغرفة» (فرقان: ۷۵) را حمزه «الغُرْفَةَ» و سایر قاریان «الغُرْفَات» قرائت کرده‌اند.<sup>۱۰۸</sup> علاوه بر این، رسم واژگانی مانند: «جملت، کلمت، الغرفت، بینت» و جز آن‌ها که مفرد و جمع بودنشان محل اختلاف قاریان است، گاه با «ها» و گاه با «تا» قرائت شده‌اند.<sup>۱۰۹</sup> کلمه‌هایی که به تاء کشیده یا های نشانه تأنیث ختم می‌شوند، آن‌ها که رسمشان قرائت دو صیغه مفرد و جمع را در بر گیرد، تعداد حروف تشکیل دهنده‌شان نیز متفاوت است؛ مثلاً «بینت» و «بینه» اگر به صیغه جمع قرائت شود، یک حرف مازاد نسبت به قرائت مفرد آن دارد. در سایر نمونه‌هایی که هر دو قرائت افراد و جمعشان روایت شده این کاهش و افزایش یک حرف دیده می‌شود. حتی می‌توان گفت: تلفظ «تاء مبسوط» و «ها» در دو شکل نوشتاری، بر بسامد حرف «ها» در سوره‌هایی که با حرف مقطعه آغاز می‌شوند نیز اثر دارد، مگر اینکه پژوهشگری بگوید هر دو شکل «ة» و «ت» جزء حرف «تا» شمرده می‌شوند. درعین حال، این سخن نیز خدشه‌پذیر است؛ چراکه نوشتار «ة» بیش از آنکه به «تا» شبیه باشد، به «ها» می‌ماند، به‌ویژه آنکه در دوران پیش از نقطه‌گذاری حروف، روی های نشانه تأنیث «ة» هیچ نشانه یا اعجامی وجود نداشته است.<sup>۱۱۰</sup> از جهت پراکندگی «ها» و «تا» به‌ویژه در سوره مریم و طه با فاتحه «کهیصص» و «طه»، نمونه‌های نسبتاً بسیاری؛ از قبیل «رحمة» (۲)، بقوة (۱۲)، آیه (۲۱) الحسرة-غفلة (۳۹)، الشفاعة (۸۷)، شبعة (۶۹)، الصلاة (۵۹)، ... در سوره مریم با شماره آیات ذکر شده و واژگان «بآية-بینة (۱۳۳)، کلمة (۱۲۱ و ۱۲۹)، الجنة (۱۱۷)، العاقبة (۱۳۲)، ... در سوره طه وجود دارند.

۵. **های سکت:** در زبان عربی، وقف بر سکون جایز و بر حرکت کوتاه، ناپسند است. بنابراین، در وقف بر حرکت کوتاه، های سکت را به پایان واژه می‌افزیند. هفت واژه «لم یتسنه» (بقره: ۲۵۹)، کتابیه (الحاقه: ۱۹ و ۲۵)، حسابیه (حاقه: ۲۰ و ۲۶)، مالیه (حاقه: ۲۸)، سلطانیه (حاقه: ۲۹)، ماهیه (قارعه: ۱۰)، های سکت دارند که همگی به قرائت و نه کتابت مرتبط است. کاتب گاه آنچه می‌شود را می‌نویسد، هر چند خلاف قواعد کتابت باشد.<sup>۱۱۱</sup> بنابراین، حذف یا اثبات های سکت در کتابت محل اختلاف است. از هفت واژه نامبرده، «اقتده و لم یتسنه»، های پایانی، کوتاه‌شده حرکتی بلند به سبب جزم یا طلب است. های پایانی در پنج واژه دیگر به دلیل هماهنگی با فاصله آیات هم‌جوار، به جای تاء تأنیث نشسته است.<sup>۱۱۲</sup> افزودن «های سکت» به دلیل وقف بر حرکت کوتاه یا هم‌ردیف کردن قافیه با یک مقطع صوتی مشخص یا به

۱۰۸. ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۳۵۱/۲.

۱۰۹. ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۳۱ تا ۱۳۰.

۱۱۰. منجد، دراسات فی تاریخ خط العربی، ۴۴ تا ۴۳ و ۲۰ تا ۱۹.

۱۱۱. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۵۰ تا ۲۴۹.

۱۱۲. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۵۱.

هر دلیل دیگر که باشد با افزودن حرفی زاید بر تعداد حروف و واژه همراه است. این فزونی از خصوصیات آهنگ یا قرائت واژه است؛ لکن چنان‌که از نمونه‌ها پیداست «های سکت» در کتابت قرآن نیز نمود داشته است. بنابراین، اگر پژوهشگری آماری بخواهد آن واژه‌ها را نه بر پایهٔ قرائت که بر پایهٔ اصل کلمه کتابت کند، با حذف «های سکت» نتایجی دیگر را حتی با اختلافی اندک به دست خواهد داد؛ برای نمونه، در آیهٔ دهم سورهٔ قارعه با وجود «های سکت» کلمهٔ مزبور، پنج حرف و با حذف آن (ماهی) که حذف‌ها، معنای واژه را بر هم نمی‌زند و بالعکس، اصل واژه به حذف آن است، چهار حرف خواهد داشت.

## ۲.۶. حرف و کلمه

از جمله موارد نقض نتایج پژوهش‌های آماری، تعریف حرف و کلمه و مصادیق آن دو است. دوگانگی صوت و نوشتار حروف و نقصان نوشتار در نمایش صدا تا آنجاست که زبان‌شناسان عرب وضع چهل شکل نوشتاری را برای چهل حرف ملفوظ لازم بدانند.<sup>۱۱۳</sup> در پژوهش‌های آماری، «کلمه» و «تعداد کلمات» در آیه یا سوره‌ها کاربردی نسبتاً فراوان دارند. ارائهٔ تعریفی روشن از کلمه کاری آسان نیست؛ چراکه کلمه در صرف آن است که اگر حرفی از حروف الفبا تا زمانی که به حرف یا حروفی دیگر نپیوندد، حرف شمرده می‌شود؛ لکن با اتصال یک حرف به حرف یا حروفی دیگر، کلمه به وجود می‌آید.<sup>۱۱۴</sup> برخی، آیاتی مانند «و الفجر»، «و الضحی»، «و العصر» و «مدهامتان» (الرَّحْمَن: ۶۴) را که اجزای آن در یک فضا و با هم نوشته می‌شوند یک کلمه به شمار آورده‌اند.<sup>۱۱۵</sup>

کلمه در تعریف نحویان سه قسم است: «اسم، فعل، حرف» که هر یک تعاریف ویژهٔ خود را دارند.<sup>۱۱۶</sup> از سویی، مفهوم کلمه در املا و کتابت، با مفهوم کلمه در صرف و نحو و لغت و حروف تفاوت دارد؛ برای نمونه، در املاهای عربی جملاتی مانند: «لَيْسَتْ خَلْفَنَّهُمْ» (نور: ۵۵)، «أَنْزَلْنَا مُكْتُمُهَا» (هود: ۲۸)، «فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ» (حجر: ۲۲) به‌عنوان یک کلمه نوشته می‌شوند؛ در حالی که در صرف و نحو، هر عبارت چهار کلمه دارند. این مطلب برای موارد فراوان حروف تعریف در قرآن کریم نیز صادق است. «ال» تعریف در صرف و نحو، خود یک کلمه و کلمهٔ معرفه نیز کلمهٔ دوم است؛ در حالی که در کتابت، تمامی آن‌ها از نظر قواعد املا و در تلفظ یک کلمه به شمار می‌روند.<sup>۱۱۷</sup> از پژوهش‌های آماری که به بحث حاضر پیوند بخورد، اعجاز عددی قرآن در معرفی شب قدر است که تفصیل آن در آغاز این نوشتار بیان شد. آیات ۱ تا ۵ سورهٔ

۱۱۳. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۲۸.

۱۱۴. حسن، النحو الوافي، ۱۳/۱.

۱۱۵. زركشي، البرهان في علوم القرآن، ۳۶۶ تا ۳۶۵/۱.

۱۱۶. نک: حسن، النحو الوافي، ۶۳ تا ۶۲/۱.

۱۱۷. حمد، رسم الخط مصحف، ۴۰۹.

قدر طبق تعریف نحویان از «کلمه» به ترتیب: ۹، ۸، ۷، ۱۵ و ۶ کلمه دارند. بر این اساس، «هی» در آیه پایانی، واژه صدوچهل و یکم سوره، بدون احتساب «بسم الله الرحمن الرحيم» خواهد بود، نه کلمه صد و بیست و هفتم که با آن شماره شب قدر در ماه رمضان را اثبات کنند. همچنین درباره مثال‌هایی چون تناسق عددی و تعداد کلمه‌های سوره عصر و فلق؛ دنباله فیوناتچی که تعداد کلمه‌ها را بدون شمارش حروف و ضمائم متصل مبنا گرفته‌اند؛ قرائت اعداد به دو روش معکوس؛ ساختار دوتایی و نقطه‌ای؛ تعداد کلمه‌های آیه «إن الله و ملائکته یصلون علی النبی...» در اثبات عدد ۱۴، آیه ۱۹ کلمه‌ای «و لا تدع مع الله إلهاً آخر...» در دلالت عدد ۱۹ بر توحید؛ تعداد ۱۰ (به جای ۲۰) کلمه سوره کوثر در بخشی از اثبات عدد ۱۲، بر همین مطلب صدق می‌کنند و در هیچ کدام از آن‌ها تمامی مصادیق «اسم، فعل، حرف» به‌عنوان تعریف نحوی کلمه شمرده نشده‌اند.

#### ۲.۶.۲. ۱. حروف مقطعه

از موارد اختلاف حروف صامت عربی با معادل مکتوب آن‌ها، حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌هاست. حروف مقطعه «الم، المر، کهیعص، طسم، ص، عسق، ق، ن، ...» نه مطابق تلفظ، بلکه بر نشانه‌های مکتوب خود منطبق است؛ یعنی حروف مقطعه با نخستین حرف از نام‌های الفبایی خود نوشته می‌شوند، نه با نام‌های آن‌ها؛<sup>۱۱۸</sup> لذا مثلاً «الف لام میم» نگارش نیافته است. ناگفته، میزان اختلاف در رسم دو قرائت حروف مقطعه پیداست و با فرض رسم فواتح با صوت آن‌ها، نتایج مطالعات آماری را از نظر تعداد حروف آیه و سوره و حتی پراکندگی آن حروف در سوره‌های دارای فواتح تغییر می‌دهد. مثلاً فواتح دو سوره قلم و مریم به‌صورت نخستین حرف از نام الفبایشان اگر فرضاً بنا بر نامشان کتابت شوند، به ترتیب در سوره قلم و مریم، ۱ حرف، ۳ حرف و ۵ حرف، ۱۲ حرف (ن-نون؛ کهیعص، کاها یا عین صاد، در عین حذف تلفظ همزه پایان اسامی حروف، مثل هاء، یاء) خواهند داشت.

درباره پراکندگی حروف نیز می‌توان پراکندگی حرف «ن» در سوره قلم به تعداد ۱۳۳ مرتبه را مثال آورد که پیش‌تر ذکر شد. صرف نظر از درستی یا نادرستی این عدد، قرائت حرف «ن» با نام حرف، یعنی «نون» یک عدد به تعداد این حرف در سوره می‌افزاید؛ درحالی که در رسم قرآنی آن، تنها یک «ن» وجود دارد. بدیهی است، رسم آن به شکل «ن» و نه «نون»، وحی منزل نیست و فرض نوشتن آن به صورت «نون» بلااشکال است و البته این سخن به معنای تجویز کتابت به غیر از رسم موجود نیست.

#### ۲.۶.۲. ۲. انقطاع و اتصال کلمات

«قطع» که اصل در نگارش کلمات است، جدایی کلمه در رسم از کلمه پس از خود را گویند و در

مقابل، اتصال یا به‌هم‌پیوستگی دو کلمه در نوشتار است.<sup>۱۱۹</sup> آنچه در برخی واژگان دوبخشی قرآن دیده می‌شود، همواره اصل رعایت نشده و بر پایه قواعد املائی عربی، گاه دو یا چند کلمه نحوی به یکدیگر متصل شده و خود، کلمه‌ای مستقل را تشکیل می‌دهند؛ از آن جمله برخی واژگان دو حرفی در قرآن هستند که گاه منقطع و گاه متصل رسم شده‌اند. در این عبارات، حرف پایانی کلمه نخست با حرف آغازین کلمه دوم مخرج صوتی مشترک داشته یا نداشته باشند: «أَنْ لَمْ، أَنْ لَنْ، أَنْ لَوْ، إِنْ مَا، إِنْ لَأَ، أَمْ مَا، عَنْ مَنْ، عَنْ مَا، مَنْ مَا، إِنْ مَا، كَلَّ مَا، فِی مَا، أَيْنَ مَا، بَسَّ مَا، كَى لَأَ، لَام جَرِ دَر مِثْلِ «مَالِ هَذَا الرَّسُولِ» (مَا لِهَذَا الرَّسُولِ)، حَيْثُ مَا، مای موصولی که معرور به حرف جر همانند بَمَ، لِمَ، مِمَّ، عَمَّ، فِیْمَ واقع شده است، آلِ یاسین (الیاسین)، و لَاتَّ حَیْن (وَلَاتَّحِیْنِ)» را می‌توان نام برد.<sup>۱۲۰</sup> بیشتر این کلمات دوبخشی، به دو صورت متصل و منقطع کتابت شده‌اند؛ مگر آنان که رسمشان با‌الاتفاق متصل بوده است.<sup>۱۲۱</sup> بنابراین، جدا از تعداد حروفشان که در دو حالت اتصال و انقطاع چند حرف را شامل شوند، از نظر «تعداد کلمات» مختلف خواهند بود. این اختلاف در تعداد کلمات، هم در تعریف نحوی و هم طبق قواعد املا لحاظ می‌شود. این بدان معناست که کلمه را هر طور تعریف کنند، عبارت دوبخشی در حالت اتصال یک کلمه و در حالت انقطاع دو کلمه شمرده می‌شود؛ مثلاً در اتصال و انقطاع رسم «أَنْ لَنْ» (مَرْمَل: ۲۰) اختلاف نظر است، درحالی‌که در کهف: ۴۸ و قیامة: ۳ همین کلمه را بدون «ن» (أَلَنْ) و در سایر موارد با «ن» (أَنْ لَنْ) کتابت کرده‌اند.<sup>۱۲۲</sup> بدیهی است که احتساب این اختلافات در رسم، روی نتایج پژوهش‌های آماری مثل اثبات اعجاز عدد ۲۹، آنجا که تعداد کلمه‌ها را معیار شمارش گرفته‌اند، ساختار دوتایی و ساختار نقطه‌ای آن‌گاه که مثلاً «أَنْ مَا» و «أَنْمَا» را یک کلمه یا دو کلمه حساب کنند، به ترتیب یک و دو، معادل عددی خواهند داشت در دنباله فیبوناتچی؛ چراکه نتیجه آن در حالت اتصال کلمه، یک عدد و در حالت انقطاع کلمه، یک عدد بیشتر خواهد بود.

## ۲.۷. اثرپذیری یک حرف از حرف مجاور

### ۲.۷.۱. ادغام یا تشدید حروف

حرف ساکنی که با حرفی دیگر از جنس خود بیاید و میانشان نیز حرکت یا فاصله‌ای نباشد، دو حرف، یکی شده و زبان آن دو را با هم و در یک‌بار به‌شدت تلفظ می‌کند. گاه یکی شدن دو حرف در کتابت نیز اثر می‌گذارد و دو حرف را با یک علامت می‌نویسند. اینجا نیز کاتب، گاه واژه را طبق قاعده و اصل واژه نوشته

۱۱۹. ضیاع، سمیر الطالین، ۶۴.

۱۲۰. ضیاع، سمیر الطالین، ۶۹ تا ۶۶؛ نک: حمد، رسم الخط مصحف، ۴۱۸ تا ۴۱۹.

۱۲۱. ارکاتی، ۵۵۳/۵ و ۵۷۰ و ۵۹۹ و ۱۱/۶ و ۴۸ تا ۴۷.

۱۲۲. ارکاتی، ۵۵۸ تا ۵۵۷/۷.

و گاه بر پایه آنچه که شنیده است، کتابت می‌کند. نمونه‌های «اللؤلؤ، اللوامه، اللعنون، اللغو، اللهم، الله، ...» طبق قاعده و در مقابل، «اللیل، الذی، و الذین، الئی، الئی، ...» بر پایه تلفظ رسم شده‌اند.<sup>۱۲۳</sup> بر این اساس، دوگانگی کتابت در رسم کلماتی که حرف مضاعف یا مشدد دارند، در مصاحف دیده می‌شود. حال، اگر این دوگانگی‌ها در رسم یا بر پایه قرائت یا بر پایه اصلشان همسان‌سازی شوند، تغییرات در تعداد حروف، تغییراتی را در نتایج مطالعات آماری به وجود خواهند آورد؛ مثلاً در نمونه‌های مذکور، اگر «الئی» را «اللتی» یا «اللغو» را «الغو» بنگارند، تعداد حروف نیز به تبع یک حرف کمتر یا بیشتر می‌شود یا در تماتل آیات که ذیل آیه «فَدَرَزْنِي وَمَنْ يُكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» تعداد حروف را ۴۴ بر شمرده‌اند، باید گفت: صرف نظر از شمارش سایر حروف آیه از قبیل الف محذوف در «هذا»، در بحث حاضر، با احتساب دو حرف «ذال» در «یکذّب»، آیه نه بر ۴۴ که بر ۴۵ حرف مشتمل است یا درباره‌ی سوره‌ی عصر که طبق نسخه‌ی قاهره ۹۰ حرف دارد، اگر حروف مشدد در «إِن، إِلَّا، الَّذِينَ، الْحَقُّ» نیز دو بار شمرده شوند، با احتساب حروف مدغم در همین ۴ واژه، سوره‌ی عصر مجموعاً ۹۴ حرف خواهد داشت. علاوه بر این، برخی قرآن‌ها قواعد تجوید را که به قرائت مرتبط است در رسم وارد کرده‌اند؛ مثلاً در مصاحف مدینه،<sup>۱۲۴</sup> قاهره،<sup>۱۲۵</sup> ایران به خط طاهر خوشنویس<sup>۱۲۶</sup> و ترکی به خط مصطفی نظیف<sup>۱۲۷</sup> برای ادغام «دال» و «تا» در «قَدْ تَبَيَّنَ» (بقره: ۲۵۶) بی‌آنکه دال را حذف کنند، روی «تا» تشدید گذارده‌اند؛ گویی در رسم، یک تاء دیگر به تعداد حروف افزوده‌اند (قَدْ تَبَيَّنَ ← قَدْ تَبَيَّنَ: بدون احتساب دو حرف در یاء مشدد: ۷ حرف)، در حالی که در قرآن ایرانی به خط نیری<sup>۱۲۸</sup> نشانه‌ی تشدید روی تا وجود ندارد.

## ۲.۷.۲. ادغام و تشدید در حروف مقطعه

در حروف مقطعه نیز ادغام تام مانند ادغام میم در لام «الم» و نون سین در میم «طسم» و ناقص؛ مانند ادغام نون سین در «یس» و «ن و القلم» بنا بر روایت ورش دیده می‌شود. در هر دو مورد، روی میم در «الم» و «طسم» نشانه‌ی تشدید می‌گذارند.<sup>۱۲۹</sup>

افزون بر اینکه، رسم و قرائت حروف مقطعه به هیچ روی یکسان نیست؛ ادغامشان نیز محل گفت‌وگو است؛ با این توضیح که اگرچه فواتح سور بدان صورت که قرائت می‌شوند کتابت نشده‌اند، بلکه در رسم،

۱۲۳. نک: دانی، المقنع، ۶۷.

۴۲. ۱۲۴

۵۳. ۱۲۵

۴۲. ۱۲۶

۳۳. ۱۲۷

۴۳. ۱۲۸

۱۲۹. مارغنی تونسلی، دلیل الحیران، ۲۴۴؛ نک: شورای تحقیق، بررسی تطبیقی رسم المصحف، ۱۲۴.



ادغام صوتی برخی حروف در یکدیگر نشان داده شده‌اند؛ برای نمونه، به سبب ادغام میم در لام «الم» و نون سین در میم «طسم»، روی میم در «الم» و «طسم» یک علامت تشدید گذاشته می‌شود. ناگفته پیداست که قرائت حروف مقطعه، چه در ادغام و چه در اظهارشان، با کتابت آن‌ها تفاوتی بسیار دارند. ناگفته نماند که بخش عمده‌ای از تحقیقات محققانی که در پی اثبات اعجاز عددی قرآن بودند، بر مبنای شمارش تعداد حروف سوره یا آیه استوار است و نمونه‌هایی از آن در بخش آغازین تحقیق گزارش شد. در عین حال، ایشان عمدتاً شمارش تعداد حروف سوره‌های بلند قرآن را در نظر نداشته‌اند؛ از آن جمله، سوره‌هایی است که با حروف مقطعه‌ای مثل «الم، طسم» آغاز شده‌اند که در برخی قرآن‌ها روی حرف «م» در این فواتح نشانه تشدید گذارده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که در آیه «فذرني و من يكذب بهذا...» و سورهٔ عصر، حروف مشدد را نشمرده و اگر آن‌ها را نیز در شمارش لحاظ می‌کردند به تعداد حروف مدغم، یک عدد به شمارش اولیه اضافه می‌شد، در ادغام حروف فواتح سور نیز همین مسئله به چشم می‌خورد. در نتیجه، اگر یک پژوهشگر آماری، کتابت و ادغام حروف مقطعه را بر پایهٔ قرائتشان مبنای مطالعات خود قرار دهد، نتایج حاصل نیز با نتایج مطالعات موجود تفاوتی بنیادین خواهند داشت.

## ۲. ۸. دو حرف هم‌جنس در کنار هم

در مطالعات آماری، نمونه‌ای عینی که به دلیل باهم‌آیی دو حرف هم‌جنس در کنار هم، در حذف یکی یا اثبات هر دو اختلاف پیش آید، یافت نشد و مثال‌هایی چون «ننجی و لنتظر» برای پژوهشگران آماری به دلیل محدود بودن تحقیقاتشان مطرح نبوده‌اند، لکن بنا بر کارکردشان و کلیت تحقیقات آن‌ها می‌توان چنین فرضی را در این مثال از نظر اختلاف در تعداد حروف در نظر گرفت. توضیح آنکه، اصل واژه «نجی» در «وَكذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء: ۸۸)، «ننجی» بوده است و قاریان به دلیل احتمال دو قرائت، رسم یک نون را پذیرفته‌اند.<sup>۱۳۰</sup> حذف نون دوم به دلیل ادغام یا اخفای نون دوم با وجود «ج» پس از آن یا جز این بوده باشد، از کتابت کلمه، مطابق با تلفظ و متفاوت با اصل واژه حکایت دارد. بیشتر قاریان، کلمهٔ مزبور را با دو نون و برخی نیز با یک نون (نجی) قرائت کرده‌اند.<sup>۱۳۱</sup> نمونه‌ای دیگر، «لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (یونس: ۱۴) است که در برخی مصاحف با حذف یکی از دو «ن» و احتمالاً به دلیل اخفای نون دوم کتابت شده است. بسا که این نیز به سبب نوشتار از روی تلفظ و نه اصل کلمه بوده باشد.<sup>۱۳۲</sup> «ننجی و لنتظر» اگر بر پایهٔ اصلشان یا با حذف یک نون کتابت شوند، در هر دو حالت، به تعداد حروف واژه، یک حرف افزوده یا از آن

۱۳۰. ضیاع، سمیر الطالین، ۵۰.

۱۳۱. ضیاع، سمیر الطالین، ۵۰.

۱۳۲. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۳۸ تا ۲۳۷؛ ضیاع، سمیر الطالین، ۵۰.

کم می‌کنند و این بر نتایج شمارش آماری اثر خواهد گذاشت. اما از نظرِ اثر بر بسامد حروف در سوره می‌توان گفت: در واژگان «تنجی، لنتظر، لنتصر» که در سوره‌های انبیا، مریم، یوسف و... آمده‌اند، پراکندگی حرف «ن» در این سوره‌ها مطرح نیست؛ چراکه سوره‌های نام‌برده با فواتح حاوی «ن» شروع نشده‌اند. در هر حال، کلیت این بحث و شمارش حرف «ن» در کلمه‌های مزبور، با چالشی پیش روی پژوهشگران آماری از حیث بسامد و حروفی مشخص در سوره‌هاست.

### نتیجه‌گیری

اینک روشن شد که اولاً، رسم الخط در مصاحف گوناگون با هم اختلاف دارند؛ ثانیاً، هریک از پژوهش‌های آماری را اگر بر آن اختلاف‌ها در رسم عرضه دارند، نتایج متفاوت به دست خواهد آمد؛ مثل اختلاف تعداد حروف در سوره عصر و فلق، تعداد کلمات در اثبات اعجاز اعداد ۱۹، ۷، ۱۴، ...، اثر ادغام در تعداد حروف آیه بسمله، حذف و اثبات الف یا همزه در تعداد حروف واژه در سوره عصر و کوثر و... نتایج تمامی نمونه‌های آماری که مبنای آن‌ها شمارش حروف و کلمات است، بر پایه اختلاف رسم الخط تغییر می‌یابند؛ به‌ویژه آنجا که حرف یا حروفی از کلمه کم یا زیاد می‌شوند. علاوه بر این، گاه رسم الخط واژه‌ای با واژگان مشابه در همان مصحف مانند: «الضعفاء-الضعفوا» متفاوت است. همه این اختلاف‌ها در رسم، و دست کم اختلاف در شکل کتابت یا تعداد حروف، نتایج آماری را تغییر می‌دهد. درباره اختلاف در تعداد کلمه‌های یک آیه یا سوره نیز در مواردی که مبنای پژوهشگران شمارش کلمات بود، بنا بر گوناگونی تعریف کلمه در نحو و املاهای عربی، نتایج متفاوت حاصل خواهد شد.

### منابع

- قرآن کریم. به خط مصطفی نظیف. مانیا: دفتر اقتصادیات الشرق. چاپ دوم، ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰م.
- قرآن کریم. مصحف المدینة النبویة. عربستان: مجمع الملك فهد. ۱۴۰۵ق.
- قرآن کریم. به خط احمد نیریزی. تهران: اسماعیلیان. چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۲.
- قرآن مجید. تاج کمپنی لمید-قرآن منزل. لاهور کراچی: دهاکه، شیخ عنایت‌الله ایندکو. بی‌تا.
- قرآن کریم. به خط طاهر خوشنویس. بی‌جا: بی‌نا. بی‌تا.
- قرآن کریم. چاپ قرآن قاهره. بازنشر نسخه از کتابخانه ایالتی برلین. چاپ اول، ۱۹۲۴م.
- ابن ابی‌داود، عبدالله بن سلیمان. المصاحف. مصحح: آرتور جفری. E. J. Brill: Leiden، چاپ اول، ۱۹۳۷.
- ابن جزری، محمد بن محمد. النشر فی القرائات العشر. تصحیح: علی محمد الضباع. بیروت: دار الکتب العلمیة. بی‌تا.

صادق نيا و طباطبایی پور: نقدي بر پژوهش‌های آماری در قرآن کریم بر پایه ويژگی‌های رسم‌المصحف / ۲۰۳

- ابن كثير، اسماعيل بن عمر. تفسير القرآن العظيم. بيروت: دار الفكر. ۱۴۰۳ق.
- ارکاتی، محمدغوث. نثر المرجان في رسم نظم القرآن. حيدرآباد دکن: شمس الإسلام. بی تا.
- باقلانی، محمدبن طيب. الانتصار للقرآن. تحقيق: قضاة محمد عصام. بيروت: دار الفتح. ۱۴۲۲ق.
- بحرانی، هاشم بن سليمان. البرهان في تفسير القرآن. قم: دار التفسير. ۱۳۷۵.
- بخيت، عبدالباسط محمود. اشارات قرآنية للعلوم الرياضية والإعجاز الحسابي. مراجعة وتقديم: زغلول راغب النجار. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب. ۲۰۰۶م.
- بيضون، لبيب. الإعجاز العددي في القرآن. بيروت: اعلمی. چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- تفکری، حسن. پژوهشی در رسم‌المصحف و شيوه‌های علامت‌گذاری در قرآن کریم. تهران: پیام عدالت. چاپ اول، ۱۳۸۵.
- جعیدی، عبيد سليمان. «الإعجاز العدد القرآني في حقائق تاريخية وفلكية». الندوة الثانية للإعجاز في القرآن الكريم: الإعجاز العددي في القرآن الكريم. ۱۳ تا ۱۲ مارس ۲۰۰۷. دبي: الجائزة دبي الدولية للقرآن الكريم. ۱۴۲۸ق.
- حسن، عباس. النحو الوافي. تهران: ناصر خسرو. چاپ چهارم، ۱۴۱۶ق.
- حمد، غانم قدوري. رسم الخط مصحف. مترجم: يعقوب جعفری. به کوشش مرکز ترجمه قرآن مجيد به زبان‌های خارجی وابسته به سازمان اوقاف و امور خيريه. بی جا: اسوه. چاپ اول، ۱۳۷۶.
- خطيب، عبدالحليم بن شيخ محمد. اسرار معجزة القرآن الكريم، تقديم: ابراهيم محمد سلقيني. سوریه: دار القلم العربي. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- دانی، عثمان بن سعيد. المقنع في معرفة مرسوم مصاحف اهل الأمصار مع كتاب النقط. تحقيق: محمد احمد دهمان. دمشق: دار الفكر. ۱۴۰۳ق.
- ..... المحکم في نقط المصاحف، تحقيق عزة حسن. دمشق: وزارت الثقافة والإرشاد القومي في الأقاليم ال. ۱۳۷۹ق.
- ديباجه، جميل. عجائب العدد و المعدود في القرآن الكريم. بيروت: دار المحجّة البيضاء، دار الرسول الأكرم. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ديسي، عمرعلي. اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ في القرآن الكريم. اردن: دار الكندي. چاپ اول، ۲۰۰۹م.
- رفاعي، عدنان. إحدى الكبر، نظرية قرآنية في معجزة إحدى الكبر (معجزة عدد ۱۹). دمشق: رفاعي. ۲۰۰۱م.
- زرقاني، محمدعبدالعظيم. مناهل العرفان في علوم القرآن. بی جا: عيسى البابي الحلبي و شركاه. چاپ سوم، بی تا.
- زركشي، محمدبن بهادر. البرهان في علوم القرآن. تحقيق: يوسف عبدالرحمن مرعشلي، جمال حمدی ذهبي، ابراهيم عبدالله كودي. بيروت: دار المعرفة. چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- سليمان، حسين. الإعجاز العددي و الرقمي في القرآن الكريم. سورية: دار النهج. چاپ اول، ۱۴۲۸ق.

- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. الإقتان فی علوم القرآن. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بی جا: هیئة المصریة العامة للكتاب. ١٣٩٤ق.
- شریف، عدنان. من المعجزة الرقمية فی فاتحه القرآن الکریم و آیات للأحرف المقطعة. بیروت: الدار العربية للعلوم. چاپ اول، ١٤٢٣ق.
- شورای تحقیق: کریم دولتی و دیگران. بررسی تطبیقی رسم المصحف، شیوة نگارش و علامت گذاری قرآن کریم. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم، ١٣٨٧.
- ضباع، علی محمد. سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الكتاب المبین، قراءة و تنقیح: محمد علی خلف الحسینی. مصر: المكتبة الأزهریة للتراث. چاپ اول، ١٤٢٠ق.
- عبدالتواب، رمضان. مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی. مترجم: حمیدرضا شیخی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی. ١٣٦٧.
- فقیه، رضوان سعید. الکشف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف. بیروت: دار المحجة البيضاء، دار الرسول الأکرم. چاپ اول، ١٤٢٢ق.
- قبطانی، فرید، احمد حجاج اول امین. الصدفة المنظمة الإعجاز العددی فی القرآن. پاریس: المركز العالمی للأبحاث العلمية. چاپ دوم، ١٩٩٩م.
- قوام پور، خشایار. آنالیز عددی سورة کوثر. مشهد: راهیان سبز. چاپ اول، ١٣٨٧.
- کحیل، عبدالدائم. معجزة قل هو الله أحد: حقائق رقمية تشهد علی وحدانية الله عزوجل. سوریه: دار المنار. چاپ اول، ١٤٢٥ق.
- مارغنی تونس، ابراهیم بن احمد. دلیل الحیران فی شرح منظومة مورد الظمان فی رسم أحرف القرآن. تحقیق: جمال الدین محمد شرف. طنطا: دار الصحابة للتراث. چاپ اول، ١٤٢٧ق.
- معرفت، محمد هادی. التمهید فی علوم القرآن، مترجم: جواد ایروانی. قم: تمهید. چاپ دوم، ١٣٨٨.
- منجد، صلاح الدین. دراسات فی تاریخ خط العربی، منذ بدايته إلى نهاية العصر الأموی. بیروت: دار الكتاب الجديد. چاپ اول، ١٩٧٢م.
- نجدی، ابوزهراء. من الإعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم. تقدیم: محمد سالار. بی جا: الوكالة العالمية. ١٤١٠ق.
- نهاد جرار، بسام. اعجاز الرقم ١٩ فی القرآن الکریم مقدمات تنظر النتائج. بیروت: المؤسسة الإسلامية. چاپ سوم، ١٤٢٥ق.
- واحدیان درگاه، محمد تقی؛ شاهرودی، جعفر. تحدی ریاضیاتی قرآن کریم با سایر کتب. مشهد: یوسف فاطمه (ع). چاپ اول، ١٣٩٢.
- هال، رابرت اندرسن. زبان و زبان شناسی. مترجم: محمد رضا باطنی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

### Transliterated Bibliography

‘Abd al-Tawāb, Ramiḍān. *Mabāhithī dar Fiḥ al-Lughā va Zabānshināsī ‘Arabī*. translated by Ḥamid Rizā Shaykhī. Mashhad: Mu‘āvinat Farhangī Āstān-i Quds-i Rażavī. 1989/1367.

Arkātī, Muḥammad Ghawth. *Nathr al-Marjān fi Rasm Nazm al-Qurān*. Hīdar Ābād Kadkan: Shams al-Islām. s.d.

Bahrānī, Hāshim ibn Suliyman. *al-Burhān fi Tafsīr al-Qurān*. Qum: Dār al-Tafsīr. 1996/1375.

Bakhīt ‘Abd al-Bāsīt Maḥmūd. *Ishārāt Qurānīya lil- ‘Ulum Riyāḍīya wa al-Ijāz al- Ḥisābī*. Murāj’a wa Taqḍīm: Zaghlūl Rāghib al-Najjār. Cairo: al- Hiy’at al-Miṣrīya al- ‘Āmma li-l-Kitāb 2006.

Bāqalānī, Muḥammad ibn Ṭīb. *al-Intiṣār lil- Qurān*. researched by Qaḍāt Muḥammad ‘Aṣām. Beirut: Dār Fath. 2001/1422.

Bayḍūn, Labīb. *al-Ijāz al-‘Adadī fi Qurān*. Beirut: A’lamī. Chāp-i Aval, 2004/1425.

Ḍabbā’, ‘Alī Muḥammad. *Samīr al-Ṭalībīn fi Rasm wa Ḍabṭ al-Kitāb al-Mubīn*. Qirā’at wa Tanqīḥ Muḥammad ‘Alī Khalaf al-Ḥusaynī. Egypt: Maktaba Azhariya li-Ṭūrāth. Chāp-i Aval. 1999/1420.

Dānī, ‘Uthmān ibn Sa’īd. *al-Muḥkam fi Nuqqaṭ al-Maṣāḥif*. Researched by ‘Izzah Ḥasan. Damascus: Wizāra al-Thiqāfa wa al-Irshād al-Qūmī fi al-Aqālīm. 1960/1379.

Dānī, ‘Uthmān ibn Sa’īd. *Al-Muqani’ fi Ma’rifah Marsum Maṣāḥif Ahl al-Amsār Ma’a Kitāb al-Nuqqaṭ*. Researched by Muḥammad Aḥmad Ḍahmān. Damascus: Dār al-Fikr. 1983/1403.

Dibājīh, Jamīl. *‘Ajā’ib al-‘Adad wa al-Ma’ḍūd fi al-Qurān al-Karīm*. Dār al-Maḥja al-Bayḍā’, Dār al-Rasūl al-Akram. Chāp-i Aval, 1998/1419.

Dīsī, ‘Umar ‘Alī. *Asrār wa Ijāz al-Raqam 29 fi al-Qurān al-Karīm*. Urdun: Dār al-Kindī. Chāp-i Aval, 2009.

Faqīh, Riḍwān Sa’īd. *al-Kushūf fi al-Ijāz al-Qurānī wa ‘Ulūm al-Hurūf*. Beirut: Dār al-Maḥja al-Bayḍā’, Dār al-Rasūl al-Akram. Chāp-i Aval, 2001/1422.

Hall, Robert Anderson. *Zabān va Zabānshināsī*. translated by Muḥammad Riḍā Bāṭinī. Tehran: Intishārāt-i ‘Ilmī va Farhangī. Chāp-i Sivum. 2002/1381.

Ḥamd Ghānam Qadūrī. *Rasm al-Khaṭṭ Muṣḥaf*. translated by Ya’qūb Ja’ farī. Bi Kushsh Markaz Tarjumah-yi Qurān-i Majīd bi Zabān-hā-yi Khārijī Vābastih bi Sāzimān-i Awqāf va Umūr Khiyriyih. S.I. Usvih. Chāp-i Aval, 1998/1376.

Ḥasan, ‘Abbās. *al-Naḥw al-Wafī*. Tehran: Nāshir Khusrū. 1995/1416.

- Ibn Jazarī, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Nashr fi al-Qirā'āt al-'Ashr*. Ed. 'Alī Muḥammad al-Ḍabā'. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya. s.d.
- Ibn Abī Dāwūd, 'Abd Allāh ibn Suliyān. *al-Maṣāḥif*. ed. Arthur Jeffery. E. J. Brill: Leiden, Chāp-i Aval, 1937.
- Ibn Kathīr, Ismā'il ibn 'Umar. *Tafsīr al-Qurān-i al-'Azīm*. Beirut: Dār al-Fikr. 1983/1403.
- Ju'aydi, Ubayd Sulaymān. "al-I'jāz al-'Adad al-Qurānī fi Ḥaqā'iq Tārikhiya wa Falakiya". *Al-Nadwah al-Thānīyah lil- I'jāz fi al-Qurān al-Karīm. Al-I'jāz al-'Adadī fi al-Qurān al-Karīm*. March 13-12, 2007. Dubiy: al-Jā'iza Dubiy al-Dūliya lil- Qurān al-Karīm. 2007/1428.
- Kaḥīl, 'Abd al-Dā'im. *Mu'jizat Qul Huwa Allāh Aḥad: Ḥaqā'iq Raqmīyah Tashhad 'Alā Waḥdāniyat Allāh 'Azz wa-jall*. Syria: Dār al-Minār. Chāp-i Aval, 2004/1425.
- Khaṭīb, 'Abd al-Ḥalīm ibn Shaykh Muḥammad. *Asrār al-Mu'jizat al-Qurān al-Karīm*. Taqdim: Ibrāhīm Muḥammad Salqīnī. Syria: Dār al-Qalam al-'Arabī. Chāp-i Aval, 1996/1417.
- Mārghani Tūnisī, Ibrāhīm ibn Aḥmad. *Dalil al-Ḥayrān fi Sharḥ Manzūmah Mawrid al-Ḍam'ān fi Rasm Aḥraf al-Qurān*. researched by Jam al-Din Muḥammad Sharaf. Tanṭā: Dār al-Ṣahāba lil-Ṭūrāth. Chāp-i Aval, 2006/1427.
- Ma'rifat, Muḥammad Hādī. *al-Tamhīd fi 'Ulūm Qurānī*. translated by Javād Īravānī. Qum: Tamhīd. Chāp-i Duvūm, 2010/1388.
- Munajjid, Ṣalāḥ al-Dīn. *Dirāsāt fi Tārikh Khaṭṭ al-'Arabī, mudh Bidāyatih Ilā Nihāya 'Aṣr-i al-Umawī*. Beirut: Dār al-Kitāb al-Jadīd. Chāp-i Aval, 1972.
- Nahād Jarār, Bastām. *I'jāz al-Raqam 19 fi al-Qurān-i al-Karīm Muqādamāt Tanzur al-Natā'ij*. Beirut: Mū'assisa al-Ilāmīyya. Chāp-i Sivum, 2004/1425.
- Najdī, Abū Zahrā'. *Min al-I'jāz al-Balāghī wa al-'Adadī lil-Qurān al-Karīm*. Taqdim: Muḥammad Sālār. S.I. al-Wikāla al-'Ālamiya. 1990/1410.
- Qavāmpūr, Khashāyār. *Ānālīz 'Adadī Sūrih-yi Kawthar*. Mashhad: Rāhiyān Sabz. Chāp-i Aval, 2009/1387.
- Qubṭānī, Farīd, Aḥmad Awwal Amīn. *Al-Ṣudfāh al-Munazzamah al-I'jāz al-'Adadī fi al-Qurān*. Pāris: Markaz al-'Ālam li al-Abḥāth 'Ilmīyya. Chāp-i Duvūm, 1999.
- Qurān-i Karīm*. Bi Khaṭṭ-i Aḥmad Niyrizī. Tehran: Ismā'īliyan. Chāp-i Bist va Yikum. 2004/1382.
- Qurān-i Karīm*. Bi Khaṭṭ-i Muṣṭafā Nazīf. Māniya: Daftar Iqtisādiyat al-Sharq. Chāp-i Duvūm, 1969-1970.
- Qurān-i Karīm*. Bi Khaṭṭ-i Ṭāḥir Khūshnivīs. S.I. s.n. s.d.

*Qurān-i Karīm*. Chāp Qurān Qāhirih. Bānashr Nuskah az Kitābkhānih-yi Iyālātī Birlin. Chāp-i Aval, 1924.

*Qurān-i Karīm*. Muḥṣaf al-Madīna al-Nabawīyya. ‘Arabistān: Majma‘ al-Malik Fahad. 1985/1405.

*Qurān-i Majīd*. Tāj Kampanī Lamīd-Qurān Manzil. Lāhūr Karāchī: Dhākīh, Shaykh ‘Ināyat Allāh Īndkū. S.d.

Rifā‘ī, ‘Adnān. *Iḥā al-Kubar: Naẓariyah Qurānīyah fi Mu‘jazat al-Iḥā al-Kubar*(Mu‘jazat ‘Adad 19). Damascus: Rifā‘ī. 2001.

Sharīf, ‘Adnān. *Min al-Mu‘jazat al-Raqamīyah fi Fātīhat al-Qurān-i al-Karīm wa Āyāt al-Aḥruf al-Muqaṭṭa‘ah*. Beirut: al-Dār al-‘Arabīya lil-‘Ulūm. Chāp-i Aval, 2002/1423.

Shurāy Taḥqīq: Karīm Dūlatī et al. *Barrisi Taṭbiqī Rasm al-Muḥṣaf Shyviḥ-yi Nigārish va ‘Alāmatguzārī Qurān-i Karīm*. Tehran: Markaz Maṭb‘ va Nashr Qurān Jumhūrī Islāmī Irān. Chāp-i Duvūm, 2009/1387.

Sulaymān, Ḥusayn. *al-Ijāz al-‘Adadī wa al-Raqamī fi al-Qurān al-Karīm*. Syria: Dār al-Nahj. Chāp-i Aval, 2007/1428.

Suyūtī, ‘Abd al-Raḥmān ibn abī bakr. *al-Itqān fi ‘Ulūm al-Qurān*. researched by Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm.s.l. al-Hiy‘at al-Miṣrīya al-‘Āmma li-l-Kitāb. 1974/1394.

Tafakurī, Ḥasan. *Pazhūhishī dar Rasm al-Muḥṣaf va Shīviḥ-hā-yi ‘Alāmatguzārī dar Qurān-i Karīm*. Tehran: Payām-i ‘Adālat. Chāp-i Aval, 2007/1385.

Vāḥidīyān Dargāhī, Muḥammad Taqī; Shāhrūdī, Ja‘far. *Taḥaddī Riyāziyātī Qurān-i Karīm bā Sāyir Kutub*. Mashhad: Yūsuf Fathīyih(AS). Chāp-i Aval, 2013/1392.

Zarkashī, Muḥammad ibn Bahādūr. *al-Burhān fi ‘Ulūm al-Qurān*. Researched by Yūsuf ‘Abd al-Raḥmān Mar‘ashlī, Jamāl Ḥamdī Dhahabī, Ibrāhīm ‘Abd Allāh Kurdī. Beirut: Dār al-Ma‘rifā. 1994/1415.

Zarqālī, Muḥammad ‘Abd al-‘Azīm. *Manāhl al-‘Irfān fi ‘Ulūm al-Qurān*. S.l. ‘Īsā al-Bābī al-Ḥalabī wa Shurakā. Chāp-i Sivum. S.d.